



مرکز تحلیل اخبار اتاق تهران

سال چهارم

شماره: ۹۱۹

تاریخ: ۸۹/۰۶/۰۹

کفتگو با اسدالله عسگر اولادی
پرسش رئیس اتاق ایران و چین از دولت:
کالای چینی چرا ارزان تمام می‌شود؟
صفحه ۵۲



مهمترین عناوین روزنامه‌های صبح سه شنبه کشور

ایران

رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت: پابندی به شعارهای انقلاب رمز توفیق دولت است

رئیس سازمان گسترش و نوسازی صنایع: تولید خودروهای جدید ۹ میلیونی از امسال آغاز می‌شود

وزیر اطلاعات: درگیر نبردی چند وجهی شده‌ایم

ایران- آمریکا در جام جهانی بسکتبال

تفاهیم

مسیرهای ۷ گانه راهپیمایی روز جهانی قدس اعلام شد

بازخرید مرخصی کارکنان دولت منتفی شد

استاندارای خوزستان اعلام کرد: تعطیلات عید فطر امسال در خوزستان ۳ روز

هوای خنک کشور را فرا می‌گیرد

جام جم

توصیه‌های رهبر انقلاب به دولت

احضار برخی مدیران سابق بانک‌ها

قدس امسال؛ حضوری به یادماندنی رقم می‌خورد

مترو؛ کلکسیون آسیب‌های اجتماعی

جوان

رهبر معظم انقلاب با اشاره به علت اقبال مردم به دولت: مطالبه مردم از دولت عمل به شعارهای انقلابی است

رئیس سازمان گسترش خبر داد: خودرو ۹ میلیون تومانی تولید می‌شود

گام اول حضور ایران در سازمان تجارت جهانی

حمایت

رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهور و هیات دولت تاکید فرمودند: اهتمام بیشتر برای تسهیل زندگی مردم و توجه به سند چشم انداز

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام: گروه‌های افراطی اسلامی ساخته سرویس‌های جاسوسی آمریکا و غرب هستند

سفر قطبی به مقصد نامعلوم!

خراسان

رهبر انقلاب: تسهیل زندگی مردم و توجه به سند چشم انداز در جهت گیری‌های دولت مورد اهتمام بیشتر قرار گیرد

۲ هزار و ۴۰۰ فرشته زمینی در انتظار خیران آسمانی

متکی: باید به نادران و رئیس جلسه روز یکشنبه مجلس ۲ کارت زرد داده می‌شد

دنیای اقتصاد

دنیای اقتصاد بررسی می‌کند؛ آینده دلار در نظام پولی جهانی

ازدواج موقت از دستور کار مجلس خارج شد

پرسش رئیس اتاق ایران و چین از دولت: کالای چینی چرا ارزان تمام می‌شود؟

تحلیل انبوه سازان از بازار مسکن پس از یارانه‌ها

شرق

رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس و اعضای هیات دولت: دولت از کارهای موازی از جمله در سیاست خارجی پرهیز کند

بازگشت مواد جنجالی لایحه خانواده به کمیسیون قضایی؛ صیغه ازدواج مجدد جاری نشد

روایت عسگر اولادی از دیدار محرمانه پاستور

صبح اقتصاد

بخشنامه ویژه وزارت جهاد کشاورزی؛ دولت اراضی کشاورزان را پس می‌دهد

انتقاد لاریجانی از نفاق بین المللی

طلاق منوط به گواهی عدم سازش شد

فرهیختگان

رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیات دولت: اجرای اصل ۴۴ گشایشی در اقتصاد است

عسگر اولادی بیان کرد: جزئیات دیدار با رئیس جمهور

آیت الله هاشمی رفسنجانی: گروه‌های افراطی ساخته آمریکا و غرب هستند

کیهان

رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس جمهور و هیات دولت تاکید فرمودند: تجلیل از روحیه کار و خدمت، تذکر

نسبت به موازی کاری در فرهنگ و دیپلماسی

بازنشستگان کشوری هزینه سفر می‌گیرند

این هفته؛ آژانس برای نخستین بار درباره اسرائیل گزارش می‌دهد

گسترش صنعت

در نشست خبری مدیران ارشد "ایدر" عنوان شد؛ اجرای ۱۸۷۰۰ میلیارد ریال پروژه در مناطق محروم

هوای خنک همه مناطق کشور را فرا می‌گیرد

با حضور وزیران اقتصاد و بازرگانی؛ دفتر ثبت گواهی الکترونیک در بازار سرمایه افتتاح شد

همشهری

رهبر معظم انقلاب در دیدار هیات دولت: اجرای صحیح و کامل اصل ۴۴ گشایشی واقعی در اقتصاد کشور خواهد

بود

بررسی افزایش تعطیلی عید فطر در مجلس، هفته آینده

حفاری تونل صدر- نیایش آغاز شد

نقش سرمایه‌گذاری خارجی در مدیریت واردات

مهدی نصرتی

ثابت بودن نرخ ارز در چند سال اخیر در مقایسه با تورم دو رقیمی این سال‌ها، موجب شده است که قدرت تولیدکنندگان داخلی در رقابت با کالاهای وارداتی رسمی و غیررسمی کاهش یابد و حجم عظیمی از واردات به کشور سرازیر شود.

درباره نقش نرخ ارز در این باره سخن بسیار گفته شده است و باید بر آن نیز تاکید شود؛ اما علاوه بر اصلاح نرخ ارز چه تدابیر دیگری در خصوص مدیریت واردات می‌توان اندیشید؟

در واقع دغدغه اصلی این است که چه می‌توان کرد که همزمان تولید ملی افزایش یابد و در عین حال، کیفیت کالاهای داخلی نیز بهبود یابد. به نظر می‌رسد حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی یکی از راهکارهایی است که می‌تواند دستیابی به دو هدف یاد شده را تسهیل کند.

در مورد مزایای سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً مواردی چون دستیابی به منابع مالی جدید، ایجاد اشتغال، انتقال دانش مدیریت و فناوری و دستیابی به بازارهای جدید ذکر می‌شود؛ اما علاوه بر همه این موارد، سرمایه‌گذاری خارجی در فضای داخلی کشور می‌تواند دو نقش منحصر به فرد ایجاد کند؛ اول بهبود فضای کسب و کار داخلی و دوم پیوند بیشتر با اقتصاد جهانی.

همه کسانی که دستی در تولید دارند- البته به استثنای آنهایی که از موقعیتی انحصاری برخوردارند- اذعان دارند که با وجود محدودیت‌های خود ساخته و بوروکراسی سنگین حاکم بر فضای تولید و انواع و اقسام موانع، فضای کشور فضای مناسبی برای کسب و کار نیست. طبیعی است که این فضا جذابیتی برای جلب سرمایه‌گذاران خارجی نداشته باشد. از آنجایی که در حال حاضر حجم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به نسبت کل GDP عدد قابل ملاحظه‌ای نیست، می‌توان ابتدا برای حذف این موانع از پیش پای سرمایه‌گذاران خارجی- که بخش کوچکی از اقتصاد کشور

را تشکیل می‌دهند- اقدام نمود و سپس این تجربه را به کل اقتصاد تعمیم داد. اما به خاطر داشته باشیم بهبود کیفیت نه با خواهش و درخواست محقق می‌شود، نه حتی با دستورالعمل و بخشنامه و نظارت. بهبود کیفیت نیازمند نظارت است؛ اما نه نظارت چند نفر و چند ارگان، بلکه نظارت میلیون‌ها مصرف‌کننده‌ای که به دقت کیفیت و قیمت تولیدات را ارزیابی می‌کنند و به سرعت هم ابزار حاکمیتی خود را با عدم خرید کالا و خدمات بی‌کیفیت به کار می‌برند.

بنابراین باید مشتریان حق انتخاب داشته باشند و از این رو است که باید به رقابت تن داد. تجربه دنیا به ویژه تجربه چندین دهه کشورهای آمریکای لاتین پیش‌روی ما است و نیازی به تکرار آن با همه هزینه‌ها و ناکامی‌هایش نیست. سیاست‌های جایگزینی واردات در این کشورها به سختی شکست خورده‌اند. سیاست‌های توسعه صادرات نیز که چندین سال الگویی موفق به شمار می‌رود در اقتصاد امروز دنیا به تنهایی کارساز نیستند. جهانی شدن، گفتمان غالب در اقتصاد روز جهان است و سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مولفه‌ها و ابزارهای جهانی شدن به شمار می‌رود. از سویی در محافل اقتصادی به درستی اشاره شده‌است که تولیدات کشوری نظیر چین به دلیل عدم رعایت استانداردهای تولید و همچنین عدم اعمال استانداردهای محیط کار (شامل دستمزد پایین به نیروی کار، بی‌اعتنایی به محیط زیست) قیمت تمام شده پایین‌تری دارند و در یک فضای رقابتی منصفانه قرار ندارند. مزیت سرمایه‌گذاری خارجی این است که سرمایه‌گذار خارجی ملزم است این استانداردها را رعایت کند و در فضایی منصفانه‌تر رقابت کند.

علاوه بر این، سرمایه‌گذاری خارجی نقش مهم دیگری نیز دارد: برای کشوری که ارتباطات کمتری با اقتصاد جهانی دارد، راحت‌تر می‌توان قباب تحریم برید و دوخت! اما آیا در مورد کشوری که دیگران در منافع اقتصادی آن و در کامیابی و ناکامی‌اش شریک هستند نیز چنین است؟ مصداق عینی این موضوع نیز کشور چین است که با همه اختلافات بنیادی‌اش با غرب، امروز چشم امید اقتصاد جهانی برای خروج از بحران به آن است.

آینده اقتصادهای نوظهور

مایکل اسپنس (برنده نوبل اقتصاد ۲۰۰۱)

مترجم: آرش پورا براهمیمی

طی دو سال گذشته، کشورهای پیشرفته مشکلات زیادی به خاطر بی ثباتی شدید مالی داشته‌اند. در حال حاضر هم آنها در حال دست و پنجه نرم کردن با بدهی دولتی گسترده و نرخ بیکاری بالا هستند. در عین حال اقتصادهای نوظهور با اینکه به نظر آسیب‌پذیرتر می‌آمدند به خوبی قدرت خود را حفظ کرده‌اند و رشد اقتصادی آنها به مقادیر قبل از سال ۲۰۰۸ (آغاز بحران جهانی) رسیده است. امروز عملکرد چین، هند و برزیل موتور محرک اقتصاد جهان محسوب می‌شود. هرچند رشد بالا و ثبات مالی اقتصادهای نوظهور می‌تواند به انجام اصلاحات و بازسازی گسترده‌ای که کشورهای پیشرفته به آن نیازمندند، کمک کند اما این رشد بالا در بلند مدت مفهوم مهم تری هم دارد. اگر الگوی فعلی پایدار بماند، چهره اقتصاد جهانی تغییر خواهد کرد. به‌ویژه اینکه تا کمتر از ۱۰ سال دیگر سهم کشورهای در حال توسعه در تولید جهانی از ۵۰ درصد بیشتر خواهد شد.

پس دانستن اینکه آیا این رشد چشمگیر پایدار خواهد ماند یا خیر اهمیت زیادی دارد. پاسخ به این پرسش به دو موضوع بستگی دارد. اول این که آیا اقتصادهای نوظهور توان مدیریت این موفقیت را دارند؟ دوم اینکه اقتصاد جهانی تا چه حد می‌تواند خودش را با این موفقیت وفق دهد؟ پاسخ موضوع نخست اطمینان بخش است اما در مورد قسمت دوم، خیر.

اگرچه اقتصادهای نوظهور تا مدتی می‌توانند از رشد اقتصادی بالا بهره ببرند اما در نهایت چاره‌ای ندارند جز تن دادن به یک سری تغییرات داخلی که از طریق اقدامات همزمان در اصلاح و ایجاد نهادها امکان پذیر است. با ادامه سیاست‌های فعلی در کشورهای در حال توسعه، ما باید منتظر تقویت تدریجی محرک‌های رشد داخلی باشیم که ریشه در گسترش طبقه متوسط و افزایش مبادلات بین آنها دارد و باعث خواهد شد که در آینده وابستگی این کشورها به تقاضای کشورهای صنعتی کاهش یابد و اینجاست که توزیع هم به اندازه رشد اهمیت پیدا می‌کند. اقتصادهای نوظهور نیاز به مدیریت تنش‌های داخلی ناشی از رشد اقتصادی دارند که شامل افزایش نابرابری درآمدی و عدم دسترسی یکسان به خدمات اولیه می‌شود. شکست در مدیریت این معضل آنها را از مسیر تقویت رشد داخلی خارج خواهد کرد. بهتر است از همین امروز جنبه توزیع در برنامه‌ها و سیاست‌های این کشورها جایگاه محکمی داشته باشد. مشکل دیگر ممکن است در بخش مالی این کشورها بروز کند. همزمان با رکود در کشورهای پیشرفته، نرخ بهره پایین در این کشورها می‌تواند باعث سرازیر شدن جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه شود.

که این خطر افزایش تورم و سفته بازی افراطی را به همراه دارد. با اینکه این خطرات نگران کننده هستند اما خوشبختانه اقتصادهای نوظهور طی بحران ۲۰۰۹ - ۲۰۰۸ نشان دادند که توان، تدبیر و انعطاف لازم برای مواجه شدن با معضلات را دارند.

به طور کلی اقتصادهای نوظهور در موقعیت خوبی برای هدایت موفقیت آمیز جهان بی ثبات و بحران زده فعلی قرار دارند (البته نه به تنهایی) که تحقق آن نیازمند رغبت کشورهای پیشرفته به پذیرش وسعت رشد و برجستگی اقتصادهای نوظهور است که همین مسئله می تواند مشکل ساز شود. جریان سرمایه، علم و تکنولوژی که زیربنای نرخ رشد بالا و پایدار اقتصادهای نوظهور است، ارتباط تنگاتنگی با یک اقتصاد باز، قانونمند و جهانی شدن دارد و اکنون این ساختار مطلوب به خاطر مشکلات بیکاری و نوسانات مالی کشورهای پیشرفته، تحت فشار قرار گرفته است که می تواند واکنش های نامطلوبی را از سوی این کشورها به همراه داشته باشد. امروزه سخنان سیاست گذاران و سیاستمداران بیشتر به سمت نگاه به درون و محدودیت مبادلات با دنیای خارج کشیده شده است تا برنامه ای برای یک اقتصاد مشترک جهانی. این چالش در سال های آینده بیشتر هم خواهد شد اما چالش بزرگ تر مدیریت مجموعه ای وسیع و در حال گسترش از ارتباطات فراملی است. چنین جهانی نیازمند هدایت بهتر است که شامل اصلاحاتی اساسی در نهادهای بین المللی می شود که تا همین امروز هم زیادی به تعویق انداخته شده است. در اثر این اصلاحات باید نقش و جایگاه شایسته تری به اقتصادهای نوظهور داده شود. در نبود چنین اصلاحاتی ممکن است اقتصاد جهانی از یک بحران به بحران دیگری بغلتد، بدون اینکه دستی قدرتمند سکان هدایت آن را در اختیار داشته باشد و مقصد آن را مشخص کند. به اقتصادهای نوظهور باید نقش بیشتری در مناسبات بین المللی داده شود تا آنها هم از توان خود برای تسهیل بهبود اقتصاد جهان به خوبی بهره گیرند.

فرهنگ پایه اصلاح رفتار اقتصادی

تاریخچه برنامه‌ریزی هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران به برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سه برنامه توسعه بعدی بر می‌گردد.

در اهمیت موضوع یارانه‌های هدفمند، کافی است بدانیم که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ این یارانه‌های هدفمند سیاست اقتصادی فصل مشترک همه بسته‌های سیاستی بوده است که نهادهای توسعه‌ای در سطح بین‌المللی برای ایجاد کیفیت بهینه و چتر حمایتی و تکمیل فرایند رشد کشورهای در حال توسعه بر آن تأکید داشته‌اند. اکنون که قانون هدفمند کردن یارانه‌ها الزامی است، یکی از موارد مهم آن موضوع فرهنگ‌سازی است. آمار تیاسن (۱۹۹۸) در زمینه اهمیت فرهنگ‌سازی معتقد است: «متخصصان متعهد توسعه که به تأمین غذای گرسنگان و زدودن فقر علاقه دارند، اغلب نسبت به آنچه که به نظر آنها تمرکز نابهنگام بر فرهنگ در جهانی سرشار از محرومیت‌های مادی گوناگون است، شکیبایی به خرج نمی‌دهند. آنها مدعی‌اند که شما چگونه می‌توانید درباره فرهنگ صحبت کنید در حالی که مردم مقهور گرسنگی، سوءتغذیه و یا بیماری‌هایی هستند که به‌سادگی قابل پیشگیری است.

امروزه رسانه و بویژه تلویزیون در ایران و سایر کشورهای خاورمیانه نقش تعیین‌کننده یافته است. تلویزیون به عنوان یک رسانه ملی در این کشورها قدرتش را در سیاستگذاری عموماً از آموزش‌دهی به قشر وسیعی از مردم به دست می‌آورد. انتخاب و اجرای سیاست‌ها قطعاً نوعی جادوگری نیست، بلکه روند انتخاب یک سیاست یا سیاستگذاری مراحل خاص خود را دارد. با این حال به نظر می‌رسد فرهنگ‌سازی مناسب یکی از ارکان موفقیت اجرایی این طرح بزرگ است. بنابراین می‌توان اذعان داشت رسانه ملی در فرهنگ‌سازی یارانه‌های هدفمند دو کارکرد اساسی دارد. در کارکرد اول، از آنجا که هر چه برآیندهای رفتاری مردم از تناسب بیشتری با پیش‌بینی سیاستگذار برخوردار باشد، احتمال اثربخشی سیاست در اجرا نیز بیشتر می‌شود. رسانه ملی می‌تواند با فرایند «یادگیری اجتماعی» به هدایت «رفتار» مخاطبان خاص و عام اقدام کند و در صورت لزوم کارکردهای ذهنی عموم مردم را نسبت به اجرای این طرح و برآیندهای آن، اصلاح نماید.

کارکرد دوم رسانه ملی در زمینه فرهنگ‌سازی هدفمند کردن یارانه‌ها، ویژه افراد خاص است. هدفمند کردن یارانه‌ها به عنوان یک مؤلفه تخصصی اقتصادی، الگوها، قواعد، ابزارها و مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد. مخاطبان خاص رسانه ملی، اعم از دانشگاهیان، دولتمردان و سیاستگذاران به‌رغم این که این موضوع، بسیار در رسانه‌های مختلف نوشتاری و دیداری مطرح بوده است، هنوز اطلاع کافی از چارچوب این سیاست، منطق اقتصادی-اجتماعی و نوع تجربه کشورهای موفق و ناموفق در این زمینه ندارند. به عبارتی، خواص جامعه ذهنیت درستی نسبت به کارکردهای اجرای این سیاست ندارند، بنابراین با تصویب اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، تبیین اصول این سیاست برای این

افراد نیز بسیار اهمیت می‌یابد و می‌بایست توجه داشت که اجرای این سیاست ممکن است در برخی کشورها با بازخوردهای مورد نظر سیاستگذار همراه نباشد، بلکه در برخی موارد با ایجاد تورم‌های شدید و وخیم‌تر شدن وضعیت فقرا مواجه خواهد شد. سیاست هدفمندی، هنگامی برآیند مثبتی خواهد داشت که اصول پذیرفته شده اقتصادی در زمینه آن رعایت شده باشد و سلسله مراتب این سیاست بخوبی مورد توجه قرار گیرد. طبیعت دوگانه موضوع هدفمندی، کارکرد رسانه ملی را دشوارتر می‌کند زیرا رسانه ملی می‌بایست ضمن تبیین فواید طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، زمینه لازم برای تبیین اصول این سیاست را هم فراهم آورد و همزمان با استفاده از نخبگان سیاسی و اقتصادی، به عنوان بازوی نظارتی در مرحله اجرای سیاست، چالش‌های پیش‌رو و مشکلات احتمالی را هنگام اجرای آن رفع کند.



Donyay _ Eqtesad • دنیای اقتصاد

گزارش
Report

«دنیای اقتصاد» بررسی می‌کند

آینده دلار در نظام پولی جهانی

بحران اخیر در بازار مالی ایالات متحده که به سرعت به بحرانی جهانی تبدیل شد، واقعیت مهمی را آشکار کرد که از مدت‌ها قبل توسط اقتصاددانان گوشزد شده بود و آن سرعت زیاد خلق دلارهای بدون پشتوانه بود؛ واقعیت آن است که سیاست‌های پولی در آمریکا با همه جای دنیا متفاوت است؛ سیاستمداران این کشور می‌توانند بدون نگرانی از اثرات تورمی خلق پول، به اجرای سیاست‌های انبساط پولی بپردازند؛ این وضعیت که مزیت خاصی را برای آمریکا ایجاد کرده است چیزی نیست که از دید بازیگران مهم اقتصاد جهانی پنهان مانده باشد و همین امر باعث شده است زمزمه‌ها برای مهار بزرگترین مزیت آمریکا روزه‌روز به صداهایی بلندتر تبدیل شود. اگرچه، یکی از سناریوهای بسیار محتمل، حداقل در بعد کوتاه‌مدت ادامه تسلط دلار بر معاملات و ذخایر جهانی است. طرفداران این سناریو معتقدند حداقل در کوتاه‌مدت هیچ جایگزین مناسبی برای دلار قابلیت تحقق ندارد. این دیدگاه از سوی کشورهای غربی و آمریکا به شدت مورد حمایت قرار می‌گیرد و به همین دلیل این کشورها توجه چندانی به طرح‌های جایگزین برای ایجاد معماری نوینی در نظام مالی جهان ندارند. اما به نظر می‌رسد تداوم تسلط دلار به دلیل افزایش روزافزون مخالفان آن با چالش‌های فراوان همراه خواهد بود.

ارائه دسته‌بندی از گزینه‌های پیش‌رو

جایگاه آینده دلار در نظام پولی بین‌المللی

میشم نریمانی (۱)

چکیده: در این گزارش روند تغییرات اقتصادی پس از بحران اقتصادی اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این میان تمرکز ما بیشتر بر مدل‌های مالی پیشنهاد شده می‌باشد.

تلاش شده است تا دسته‌بندی جامعی از پیشنهادهای مطرح شده در سطح بین‌المللی ارائه و مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. گزارش تاکید دارد از میان ارزهای موجود تقریباً هیچ بدیل مناسبی برای جایگزینی دلار در کوتاه‌مدت وجود ندارد. لیکن روندهای کنونی از تغییراتی در سبد ارزهای معاملاتی و بالادست ذخیره دنیا در آینده حکایت دارند. در ادامه سوآپ رسمی اسعار به عنوان استراتژی مناسب کشور مطرح شده و مورد تاکید قرار گرفته است. استفاده از ابزار انرژی نیز به منظور نیل به استراتژی فوق پیشنهاد شده است.

مقدمه

در شرایط کنونی، بحران اقتصادی و تأثیرات آن به مهم‌ترین دغدغه بازیگران اقتصادی در سراسر جهان تبدیل شده است. در پاسخ به سؤالاتی همچون اینکه آیا این بحران ذاتی نظام بازار است یا از عوامل بیرونی (غیراقتصادی) نشأت می‌گیرد، ماهیت بحران چیست، وقوع آن ناگزیر است یا می‌توان از آن اجتناب کرد، نتیجه بحران نابودی نظام اقتصادی حاکم بر اقتصادهای جهانی خواهد بود یا اصلاح مسیر و تصحیح اشتباهات، اندیشمندان اقتصادی بنا به خواستگاه فکری خود پاسخ‌های گوناگونی را مطرح ساخته‌اند. این پاسخ‌ها در یک دسته‌بندی کلان به دو دسته اصلی قابل تقسیم هستند.

دسته اول کسانی هستند که انتقادات فراوانی بر ایده تخصیص منابع ازساز و کار بازار آزاد وارد می‌دانند. اینان اگرچه با اساس اقتصاد بازار مخالفتی ندارند لیکن تحت عنوان «شکست بازار» بحران اخیر را از موارد نقص مکانیسم بازار در توزیع بهینه منابع می‌دانند و راه‌حل را در دخالت دولت و تنظیم مقررات محدودکننده بر بنگاه‌های مالی و کنترل‌های دیگر جست‌وجو می‌کنند.

دسته دوم که طرفداران سرسخت اقتصاد بازار را شامل می‌شوند اتفاقاً ریشه بحران را در «شکست دولت» جست‌وجو می‌کنند و دخالت‌های دولت در قالب نهادهای شبه خصوصی و سیاست‌های پولی انبساطی را ریشه بحران معرفی می‌کنند. به زعم ایشان بازار آزاد اصلاً وجود نداشته است تا به ناکارایی متهم شود.

در این بین و با وجود طیف گسترده تحلیل‌ها، سیاست‌های پولی انبساطی و خلق حجم عظیمی ازدلارهای بدون پشتوانه توسط آمریکا مسأله‌ای است که به اذعان همه کارشناسان اقتصادی تأثیر بسزایی در وقوع بحران اخیر و گسترش ابعاد آن داشته است. ابعاد این مسأله تا آنجا است که با مروری بر عناوین اخبار به تمایل بسیاری از کشورها به دلارزدایی و جایگزینی دلار با یک «ابرپول» جهانی یا توسعه نفوذ ارزهای منطقه‌ای و ملی مواجه می‌شویم. به عنوان مثال، چین از طریق امضای قراردادهای سوآپ در تلاش برای بین‌المللی کردن «یوآن» است و نیز آنکه تجارت خارجی با واحد پول «یوآن» در چین آغاز شده است. یا اینکه رئیس‌جمهور روسیه به کرات اعلام کرده است که در آینده می‌توانیم از ایجاد ارز بزرگ صحبت کنیم. همچنین خبرهایی در خصوص عرضه نفت و گاز روسیه به روبل، ایجاد واحد پول مشترک آسه‌آن (۲) و نیز واحد پول مشترک کشورهای حوزه خلیج فارس یا کاهش حجم دلار در دارایی‌های ارزی کشورها همه و همه از فرار کشورها از دلار و رجوع آنها به ابزارهای جایگزین حکایت دارند.

توضیح این تغییرات گسترده و ارائه پیشنهادها مناسب برای سیاست‌های پولی و ارزی کشور مسأله‌ای است که در ادامه گزارش به آنها می‌پردازیم. در ابتدا مروری گذرا بر تاریخ نظام‌های ارزی بین‌المللی اخیر صورت می‌پذیرد. در ادامه با مرور اقدامات بین‌المللی در مواجهه با عوارض بحران، به مسأله اصلاح نظام مالی بین‌المللی می‌پردازیم. در این قسمت اهم پیشنهادها ارائه شده در این خصوص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در انتها نیز در الگویی تفصیلی، استراتژی مناسب ایران پیشنهاد خواهد شد.

سیر تاریخی نظام ارزی بین‌المللی

بر پایه دسته‌بندی‌های متعارف، نظام ارزی بین‌المللی به چهار دوره تقسیم می‌شود. در این بخش، سیر تاریخی تحول در نظام ارزی بین‌المللی در این چهار دوره بررسی می‌شود. در ابتدا تجربه مدلهایی همچون پایه طلا (۳) و پایه ارز-طلا (۴) که مربوط به سه دوره اولیه است مورد بحث قرار می‌گیرد و در ادامه تحلیلی از وضعیت ارزی حال حاضر بین‌المللی که دوره چهارم محسوب می‌شود ارائه خواهد شد.

دوره اول نظام ارزی با جنگ جهانی اول به پایان رسید. در این دوره که نظام پایه طلا عمومیت داشت، به این معنی که میان ارز هر کشور با میزان معینی از طلا تعادل ثابتی برقرار بود؛ هر کشور، سیاست‌های انقباضی و انبساطی پولی را با عرضه و تقاضای طلا انجام می‌داد. در حقیقت اقتصادها در این دوره یک دماسنج واقعی داشتند که همان ارزش طلا بود. پایین آمدن قیمت طلا به معنای لزوم اتخاذ سیاست انبساط پولی بود و بالا رفتن قیمت طلا معادل نیاز به اتخاذ سیاست انقباضی، عرضه طلا و خارج کردن پول از اقتصاد بود.

این سیستم علاوه بر ایجاد ثبات اقتصاد کلان در بعد داخلی، مزیت‌های بسیاری نیز در بعد بین‌المللی داشت. مهم‌ترین تأثیر این سیستم در بعد بین‌المللی جلوگیری از وقوع مازادها و کسری‌های زیاد و بلندمدت در تجارت

میان کشورها بود. کشوری که مازاد طلا داشت با واردات بیشتر، طلای خود را به کشوری که کسری طلا داشت منتقل می کرد. این جابه جایی طلا، کسری ها و مازادها را در یک فرآیند خودکار و از طریق تغییرات ارزش نسبی ارز کشورها مرتفع می کرد.

به رغم مزایای کلیدی فوق، این نظام همزمان با وقوع جنگ جهانی اول، دچار مشکلات شدیدی شد. در خصوص مهم ترین مسائلی که ادامه این نظام را با مشکل مواجه می ساخت می توان به چند مورد عمده اشاره کرد:

۱ - رشد تجارت نیازمند پشتیبانی مالی گسترده تری بود. رشد اکتشاف ذخایر طلا بسیار کمتر از رشد فزاینده تولید کالا و خدمات جدید در سطح جهانی بود.

۲ - افزایش تولید و نیاز به پول بیشتر، تعیین نرخ های جدید برابری پول با طلا را لازم می ساخت. اما مساله پیدا نمودن برابری منطقی ثابت و جدیدی که ارزش ها را در برابر طلا حفظ کند و نیز جوابگوی نیاز معاملاتی و ذخیره ای کشورها باشد، بسیار مشکل بود.

۳ - فعالیت بورس بازان و سفته بازان بین المللی که از عدم تعادل های پولی در تغییرات مدت دار برابری طلا و ارزهای مختلف، حداکثر استفاده را می بردند.

۴ - عدم تعهد کشورها برای ماندن بر نرخ های اولیه برابری اعلام شده ارزهای ملی با طلا نیز بسیار مشکل ساز بود.

دوره دوم نظام ارزی بین المللی (۱۹۴۴-۱۹۲۰) با وقوع جنگ جهانی اول آغاز شد. لزوم تامین سرمایه برای جبران خرابی های حاصل از جنگ بر کمبود پول به دلیل طلای محدود جهانی غلبه کرد. میزان تجارت جهانی که در مقایسه با تولید ملی کشورها در دهه ۱۹۲۰ به پایین ترین حد خود رسیده بود، باعث شد بسیاری کشورها عملاً نظام پایه طلا را کنار بگذارند.

در این دوره که تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت نظام یکسانی در تبادلات ارزی بین المللی حاکم نبود. برخی کشورها مجدداً نظام پایه طلا را پذیرفتند. برخی دیگر ارزهای معتبر را جایگزین طلا کردند. لیکن شرایط پس از جنگ و قدرت اقتصادی آمریکا، شرایطی را فراهم آورد تا دلار به عنوان ارز مسلط بین المللی مطرح شود.

دوره سوم (۱۹۷۳-۱۹۴۴) به سال های پس از جنگ جهانی دوم مربوط می شود. مشخصه های ویژه این دوره انتخاب سیستم پایه ارز طلا، تاسیس صندوق بین المللی پول (۵) و نیز بانک بین المللی ترمیم و توسعه (۶) بود که همگی در نتیجه مذاکرات نمایندگان ۴۴ کشور جهان در تاریخ ۱ تا ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۵ در برتون وودز آمریکا اتفاق افتاد.

مهم ترین نتیجه کنفرانس، انتخاب نظام نرخ ارز ثابت میان ارزهای مختلف جهان در مقابل دلار و نیز نرخ ثابت دلار در برابر طلا - هر اونس طلا معادل ۳۵ دلار - بود. همچنین کشورها توافق کردند برای رقابت در تجارت، از ابزار

تضعیف پول ملی استفاده نمایند. از سویی تضعیف تا ۱۰ درصد مجاز دانسته شده بود و بیشتر از آن نیاز به اجازه صندوق بین‌المللی پول داشت. عدم تعادل‌ها با حساب‌هایی که کشورها نزد صندوق بین‌المللی پول داشتند جبران می‌شد. شوروی که رهبر بلوک شرق بود نیز این توافق را پذیرفت. لیکن عضویت در WB و نیز IMF را رد کرد.

نظام جدید بر پایه کسری همیشگی آمریکا برای عرضه دلار به جهان و تامین نقدینگی بین‌المللی استوار بود. همین مبنا در نهایت به از هم گسستن این سیستم منجر شد. با عرضه زیاد دلار و کسری رو به رشد ایالات متحده، کاهش ارزش دلار در برابر طلا رخ داد. بانک‌های مرکزی دنیا برای حفظ سیستم ناگزیر از خرید دلار اضافی و عرضه طلا شدند. ادامه این وضع باعث شد سیستم دو قیمتی برای معادل‌سازی طلا و دلار برقرار شود که در آن نرخ اولیه فقط و فقط میان بانک‌های مرکزی معتبر بود. بازارگردانی بانک‌های مرکزی دنیا در معاوضه دلار با طلای ارزان آمریکا و فروش طلا در بازار آزاد و کسب سود باعث شد آمریکا از آنها بخواهد درخواست تبدیل نمایند. این تصمیم آمریکا در نهایت به صورت رسمی از سوی نیکسون، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده در سال ۱۹۷۱ بیان شد.

در این مدت، ایالات متحده از یک سو به دلیل تعهداتش مجاز به کاهش ارزش دلار نبود و از سوی دیگر در صورت کاهش ارزش دلار، به دلیل آنکه همه ارزها به دلار می‌خکوب بودند باز هم مشکل کسری ایالات متحده بر طرف نمی‌شد و فقط سود آن را شوروی و آفریقای جنوبی می‌بردند که ذخایر گسترده طلا داشتند و در آن زمان با آمریکا همراه نبودند. کشورهای مازاددار هم به دلیل لطمه به صادراتشان حاضر به کاهش ارزش ارزهایشان نبودند.

تعدیلاتی در نظام پایه ارز - طلا انجام شد تا بتواند کاستی‌های ذاتی سیستم را پوشش دهد. لیکن هیچ‌کدام نتوانست از سقوط این نظام جلوگیری کند. یکی از این اقدامات انجام معاملات سوآپ رسمی اسعار توسط بانک‌های مرکزی بود که جهت کنترل جریان طلا در دهه ۱۹۶۰ به کار گرفته شد. از سوی دیگر IMF در سال ۱۹۶۷ برای جبران بخشی از نیاز رو به رشد ذخایر پولی جهان، اقدام به ایجاد پول جدیدی به نام حق برداشت مخصوص (۷) نمود. این واحد پولی به عنوان دارایی ذخیره صندوق در ۱۹۶۹ به تصویب رسید. توافق اسمیت سونین، ۱۹۷۱، آخرین اقدامی بود که برای نجات نظام مذکور صورت پذیرفت. در این توافق مقرر گردید نرخ برابری دلار و طلا از ۳۵ دلار به ۳۸ دلار افزایش یابد و در مقابل کشورهای دیگر پول خود را در مقابل دلار تا اندازه معینی تقویت نمایند. اگر چه پیش از آن برخی کشورها همانند انگلستان در سال ۱۹۶۷ و فرانسه در سال ۱۹۶۹ اقدام به تضعیف پول ملی خود نموده بودند. در نهایت از آنجا که نرخ بازار آزاد طلا به ۷۰ دلار رسیده بود و تضعیف دلار تا نرخ ۴۲/۲۲ برای هراونس طلا در ۱۲ فوریه ۱۹۷۳ نیز کارگر نیفتاد، در مارس ۱۹۷۳ بازارها برای هفته‌ها تعطیل شد. پس از بازگشایی، اسعار اجازه داشتند تا سطوح معینی شناور باشند. قرارداد جامائیکا در سال ۱۹۷۶، به نظام شناور جدید رسمیت بخشید. مشکلات نظام پایه ارز - طلا به طور خلاصه عبارت بودند از:

۱ - مشکلات نقدینگی که در مدل پایه طلا بود در این سیستم هم وجود داشت. به بیان دیگر باز هم تغییر برابری ارزشها و طلا و این بار با واسطه دلار، مشکل ساز بود. تجارت جهانی در حال رشد بود، لیکن معضل نرخهای جدید و تضعیف پولهای ملی همچنان تجارت را با مانع مواجه می نمود.

۲ - کشور صاحب ارز جهانروا همواره می باید کسری داشته باشد تا جهان با مشکل نقدینگی مواجه نشود. از سوی دیگر حق تامین مالی ارزان برای مصرف داخلی کشور صاحب ارز جهانروا همواره مساله ساز بود. به عنوان نمونه سایر کشورهای کسری دار چون ایتالیا همواره معترض بودند. چرا که کسری ایتالیا می بایست با فشار بر مردم و سیاستهای انقباضی جبران شود، لیکن کسری آمریکا با چاپ پول کاغذی و صادرات دلار مرتفع می گردید.

۳ - هیچ ایزاری برای ایجاد تعهد در کشور صاحب ارز جهانروا برای نگه داشتن برابری پول با طلا و نیز معاوضه پول سایر کشورها با طلا وجود نداشت. این بی اعتمادی ها و نیز رد کردن درخواست انگلستان برای تعویض دلار و طلا از سوی ایالات متحده موجبات عدم پابندی به سیستم را فراهم می آورد.

۴ - بورس بازان و سفته بازان نیز از این عدم انعطاف ها در مبادلات ارزشهای بین المللی سودهای کلانی می بردند. دوره چهارم که هم اکنون نیز ادامه دارد بر محوریت بانکهای مرکزی در ارزش گذاری بر پول ملی کشورها استوار است. برخی کشورها نرخ ارز ثابت، برخی شناور، برخی میخکوب به ارزشهای دیگر و برخی دیگر مدل های بینابینی را برگزیده اند.

اگر در سه دوره قبل، تجارت بین المللی برای توسعه همواره با مانع کمبود نقدینگی مواجه بود، در این دوره نقش نقدینگی با چرخش کامل، عامل مهم توسعه و رشد اقتصادی گردید. در واقع یک مساله عمده در دوره های قبل، محدود شدن تجارت بین المللی به دلیل نظام خاص پولی جهانی بود، اما در دوره اخیر، نظام پولی نیروی محرکه رشد و تجارت قلمداد گردید. به بیان دیگر، کشورها با اتخاذ سیاست های انبساطی تلاش می کردند رشد اقتصادی خود را تسریع نمایند. این چنین است که ایجاد فاصله میان رشد پول و رشد کالا و خدمات، حباب های قیمتی را شکل می دهد. حباب های قیمتی که به کرات در ۳۵ سال گذشته باعث شکل گیری بحران های مالی شده اند.

از بین رفتن رابطه پول با طلا، اندازه گیری در اقتصاد را با مشکل مواجه ساخت. اکنون خط کشی که برای اندازه گیری متغیرهای اقتصادی به کار می رود، پول، ارزشی متغیر دارد. اکنون اقتصادها با این مشکل مواجه اند که آیا کالا و خدمات تغییر قیمت داده اند یا ارزش پول بالا یا پایین رفته است. در دوره چهارم، این وظیفه بانک های مرکزی است تا مکانیسم خودکار سنجش ارزش را به صورت دستی مدیریت کنند. همین سردرگمی در تحلیل سیگنال های قیمتی، سرمایه گذاران را به سوی حباب های قیمتی رهنمون می سازد که با ترکیدن این حباب ها حقیقت آشکار می شود. لیکن این آشکار سازی با انبوهی از هزینه های اضافی به وقوع می پیوندد.

بررسی ادوار تاریخی نظام‌های پولی بین‌المللی ما را به این نتیجه می‌رساند که در حقیقت دو گزینه همواره پیش روی اقتصاد بین‌المللی بوده است:

• رشد کمتر، ولی با دوام و با ثبات

• رشد سریع، ولی مملو از نوسانات

در بخش آینده بحران اقتصادی اخیر جهانی از این منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸

ریشه بحران اخیر در بازارهای مالی دنیا نیز چیزی جز همین واقعیت نبود. وقوع این بحران در بازار مالی ایالات متحده واقعیت دیگری را نیز آشکار کرد که از مدت‌ها قبل توسط اقتصاددانان گوشزد شده بود و آن سرعت زیاد خلق دلارهای بدون پشتوانه بود.

واقعیت آن است که سیاست‌های پولی در ایالات متحده با همه جای دنیا متفاوت است. سیاستمداران ایالات متحده می‌توانند بدون نگرانی از اثرات تورمی خلق پول، به اجرای سیاست‌های انبساط پولی بپردازند. امری که در دیگر کشورها به دلیل جهان‌روا نبودن واحد پولی آنها اثرات تورمی در پی خواهد داشت. در واقع و به دلیل افزایش تقاضای مبادلاتی دلار، این امکان برای آمریکا فراهم بوده است تا برای پاسخگویی به تقاضای روزافزون مبادلاتی پول بین‌المللی، دست به خلق اعتبار و انتشار واحد پول خود بزند. این فرآیند از طریق خریدهای گسترده آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و به خصوص بعد از برجیده شدن یک‌جانبه نظام پایه طلا توسط ایالات متحده، تحقق یافته است. چنانکه در شکل شماره یک، روند تغییرات حساب جاری (۸) ایالات متحده تاییدکننده این ادعاست.

علاوه بر این، بعد از جنگ جهانی دوم، عمده دارایی‌های ارزی کشورهای جهان به دلار آمریکا ذخیره شده است. این بدین معناست که دسترنج صادرکنندگان بزرگ کالا و خدمات همچون ژاپن و چین که مازاد تجاری داشته‌اند و ذخایر زیرزمینی کشورهای عمده صادرکننده انرژی همچون عربستان و روسیه به اقتصاد آمریکا تزریق شده است و فدرال رزرو در ازای پرداخت بهره‌ای ناچیز، دلارهای بدون پشتوانه را مدیریت می‌کند و همچنان مصارف هنگفت ایالات متحده از محل تولید سایر کشورها تامین می‌شود.

به طور خلاصه بعد از جنگ جهانی دوم، از یک سو کارکرد مبادلاتی دلار به عنوان واحد پول بین‌المللی ثروت هنگفتی را برای ایالات متحده فراهم آورده است و از سوی دیگر کارکرد ذخیره ارزش دلار در واقع ثروت انباشته شده سایر کشورها را نصیب این کشور کرده است.

اقتصاد ایالات متحده در واقع تمامی نشانه‌های اقتصاد متکی به منابع طبیعی را از خود بروز داده است؛ چرا که صادرات دلار می‌تواند همانند صادرات نفت و منابع طبیعی و حتی بسیار ساده‌تر از آن ثروت باد آورده برای کشور بیاورد. واردات گسترده، آمریکا را با اختلاف زیاد بزرگ‌ترین واردکننده دنیا نموده است.

از سوی دیگر سهم کل مخارج دولت مرکزی از تولید ناخالص داخلی آمریکا از ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۴۵ درصد در پایان سال ۲۰۰۹ رسیده است. بدهی‌های دولتی ایالات متحده در ۸ سال اخیر روند صعودی داشته و اکنون به ۱۲ هزار میلیارد دلار بالغ گردیده است. دلیل عمده این مساله رشد کسری بودجه دولت فدرال تا میزان ۱/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ بوده است.

سهم زیاد اوراق قرضه بین‌المللی در تامین مالی این منابع ابعاد بحران اقتصادی در آمریکا را گسترده‌تر ساخته است؛ چرا که ارزش پول ملی آمریکا را به دارندگان اوراق قرضه جهانی همچون کشورهای جنوب شرق آسیا و نیز کشورهای نفت‌خیز - گره می‌زند. برای حفظ ارزش اوراق، بالا بردن نرخ بهره نیز مشکل را برطرف نمی‌کند؛ چرا که این کار سرمایه‌گذاری در اقتصاد بحران زده آمریکا را بیشتر کاهش می‌دهد. وضعیت اقتصادی آمریکا چیزی نیست که از دید بازیگران مهم اقتصاد بین‌المللی پنهان بماند و این امر باعث شده است زمزمه‌ها برای مهار بزرگ‌ترین مزیت ایالات متحده آمریکا روز به روز جدی‌تر شود.

اقدامات پس از بحران

بحران اخیر که ابعاد آن قابل مقایسه با رکود بزرگ ۱۹۳۰ است، آستان حوادثی است که تغییرات شگرفی را در چهره اقتصادی سیاسی جهان پس از بحران نوید می‌دهد. با مروری بر حوادث پس از بحران، شناخت عوامل موثر در طراحی نظام آینده مالی بین‌المللی تسهیل می‌گردد.

- برگزاری دو اجلاس سران کشورهای گروه ۲۰

- حمایت‌گرایی و محدود شدن تجارت بین‌الملل

- منطقه‌گرایی و شکل‌گیری بلوک‌های اقتصادی و سیاسی

- تلاش برای تغییر ساختار نظام مالی بین‌المللی.

در ادامه موارد فوق مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

برگزاری دو اجلاس G۲۰: رسمی‌ترین واکنش کشورهای جهان به بحران اخیر اقتصادی، برگزاری دو اجلاس متوالی سران ۲۰ کشور دنیا - با در نظر گرفتن اتحادیه اروپا به عنوان یک عضو - در واشنگتن، ۲۰۰۸ و لندن، ۲۰۰۹، بود. تولید ۸۵ درصد تولید ناخالص دنیا، انجام ۸۰ درصد تجارت بین‌المللی - با احتساب تجارت درون اتحادیه اروپا -

و نیز ۹۰ درصد سرمایه‌گذاری دنیا در این کشورها، این قابلیت را در ۲۰G ایجاد می‌کند که توان بالقوه مطلوبی را برای حل مشکلات دنیا از خود بروز دهند. همچنین سهم کشورهای در حال توسعه در این ترکیب، توجه بیشتر به کشورهای در حال توسعه را به نسبت شورای امنیت، IMF و.... نشان می‌دهد. اما از سوی دیگر نتایج این دو اجلاس نشان می‌دهد که به هر تقدیر همچنان اروپا و آمریکا نقش‌آفرینان عمده هستند. ارائه راه‌حل‌های شکلی چون تزریق پول برای حل بحران اقتصادی، محوریت دادن به نقش صندوق بین‌المللی پول در اجرای تصمیمات و نیز سیاست‌های ارزی پیشنهاد شده، همه حاکی از آن است که غرب اگرچه نیاز به کمک سایر کشورها و به خصوص کشورهای در حال توسعه برای حل بحران‌های بین‌المللی را احساس کرده است، لیکن همچنان از دادن نقش عمده به بازیگران جدید و نیز ایجاد تغییرات اساسی و معماری نوین نهادهای مالی بین‌المللی اجتناب می‌ورزد.

حمایت‌گرایی و محدود شدن تجارت بین‌المللی: از آنجا که حمایت‌گرایی و محدود شدن تجارت بین‌المللی بزرگ‌ترین عامل عمق بخشیدن به بحران بزرگ ۱۹۳۰ بود، اولین توافقات بین‌المللی خصوصاً در اجلاس ۲۰G، منع اعضا از اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه بود. به‌رغم این توافقات، بررسی‌ها نشان می‌دهد سقوط تجارت جهانی پس از بحران اخیر بیش از بحران بزرگ بوده است. در حقیقت مابین سه ماهه دوم سال ۲۰۰۸ و سه ماهه اول سال ۲۰۰۹، ارزش صادرات جهانی در حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است. در شرایط پس از بحران که مصرف خصوصی و سرمایه‌گذاری در ایالات متحده به شدت کاهش یافته است، امید به رشد تولید در آمریکا فقط با افزایش هزینه‌های دولتی یا رشد صادرات ممکن است. رشد بی‌سابقه کسری بودجه آمریکا و رسیدن به رقم ۱/۵ تریلیون دلار در سال مالی ۲۰۰۹ و رسیدن رقم انباشت بدهی‌های ملی این کشور به ۱۲ تریلیون دلار باعث شده است سیاست‌های انبساطی دولتی نیز ناکارآ شده و فقط صادرات، روزنه امید این کشور برای عبور از بحران باشد. کاهش ارزش دلار برای تحریک صادرات اگر چه در برابر ین و یورو تا اندازه‌ای راهگشا بوده است، لیکن کاهش ارزش دلار متقابلاً از سوی چین به کاهش ارزش یوآن می‌انجامد و بنابراین آخرین مسیر تحرک اقتصادی ایالات متحده را مسدود می‌نماید. اکنون تقابل با سیاست‌های حمایتی چین به یک منازعه تجاری جدی بدل شده است. دیگر اقتصادهای نوظهور آسیایی نیز کم و بیش با همین مشکل مواجهند. آنها ناگزیرند یکی از دو گزینه زیر را انتخاب کنند:

- از دست دادن توان صادراتی ملی به دلیل کاهش ارزش دلار
- دخالت در بازار ارز و خرید دلارهای بدون پشتوانه جهت حفظ توان صادراتی و در عوض نگهداری حجم عظیمی از ذخایر ارزی بدون پشتوانه.

منطقه‌گرایی و تقویت شکل‌گیری بلوک‌های اقتصادی، سیاسی: بررسی دقیق‌تر فرآیندهای جهانی شدن نشان می‌دهد که روند چندپارگی جهانی و شکل‌گیری بلوک‌های اقتصادی سیاسی، از یکپارچگی و یکی شدن جهانی، فعال‌تر و به مراتب قوی‌تر است. اتحاد آسه‌آن و چین، بلوک اقتصادی سیاسی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس،

اتحادیه اروپا و نیز اتحاد کشورهای آمریکای لاتین، آلبا، روندهایی از این دست هستند. این بلوک‌ها تلاش دارند با تقویت همکاری‌های پولی و مالی حتی تا مرز ایجاد پول‌های مشترک منطقه‌ای و نیز گسترش همکاری‌های تجاری و مبادلاتی، بلوک‌هایی از قدرت و ثروت تشکیل دهند تا بتوانند عکس‌العمل مناسب‌تری در جهان در حال تحول ایفا نمایند. وقوع بحران اقتصادی اخیر فرآیندهای این منطقه‌گرایی را تقویت کرده است. نقش این بلوک‌ها در طراحی نظام مالی جهان پس از بحران در ادامه بیشتر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

تلاش برای شکل‌دهی نوین به نظام مالی بین‌المللی: روندهای ذکر شده در قسمت‌های پیشین، در نهایت به آن جا منجر شده است که در محافل گوناگون صحبت‌های فراوانی از طرح‌های جدید مالی در عرصه بین‌الملل به میان آید. در این قسمت اهم پیشنهادها مطرح در این حوزه دسته‌بندی و اجمالا معرفی می‌شوند.

برخی از پیشنهادها ارائه شده به دنبال ارز جایگزین دلار هستند و برخی دیگر اصولاً ساز و کارهای نوینی را مطرح می‌سازند. توجه داریم که اگر ارزی بخواهد ارز جهان‌روا محسوب شود، باید معیارهایی عمومی چون مقیاس اقتصاد مبنای حجم مبادلات تجاری، بازارهای مالی پشتیبان نقد شونده و نیز ثبات اقتصاد کلان در خصوص آن مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین بررسی مسائل سیاسی و امنیتی نیز لازم به نظر می‌رسد. با توجه به این نکات، پیشنهادها موجود را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بررسی پیشنهادها مطرح شده در سطح بین‌الملل

ادامه تسلط دلار: یکی از سناریوهای بسیار محتمل حداقل در بعد کوتاه‌مدت ادامه تسلط دلار بر معاملات و ذخایر جهانی است. چنانکه در ادامه به آن می‌پردازیم طرفداران این سناریو معتقدند حداقل در کوتاه‌مدت هیچ جایگزین مناسبی برای دلار قابلیت تحقق ندارد. توجه به این نکته حایز اهمیت است که هم اکنون ۶۳ درصد ذخایر رسمی ارزی دنیا بر مبنای دلار است. همچنین ۸۶ درصد نیاز معاملاتی بین‌المللی نیز توسط دلار برآورده می‌شود. طرفداران ادامه وضع کنونی البته بر لزوم ایجاد اصلاحاتی برای آینده نظام مالی بین‌المللی نیز تاکید می‌کنند. در این دیدگاه ضمن پذیرش مشکلات دلار، تاکید می‌شود که جایگزین‌های ارائه شده مشکلات به مراتب بیشتری خواهند داشت. لیکن اتخاذ رویکرد انقباضی در سیاست‌های پولی ایالات متحده و نیز رویکرد انقباضی در سیاست‌های مالی برای کاهش کسری بودجه گسترده ایالات متحده توصیه می‌شود از سوی دیگر تاکید می‌شود بر طرف ساختن عدم تعادل‌های اقتصاد بین‌الملل در گذر از وضع موجود ضروری است. افزایش صادرات آمریکا و سایر کشورهای دارای کسری تراز تجاری، افزایش مصرف کشورهای دارای مازاد تراز تجاری مانند چین و همچنین افزایش قدرت سایر ارزهای بین‌المللی علی‌الخصوص یوآن در برابر دلار نیز به عنوان راه‌حل‌های ضروری مورد توجه قرار می‌گیرد. کوتاه سخن اینکه در این دیدگاه جبران عدم تعادل‌های بین‌المللی و مسوولیت‌پذیری همه کشورها علی‌الخصوص چین و آمریکا برای کاهش کسری‌ها و مازادها برای عبور از شرایط بحرانی کنونی ضروری است. این دیدگاه از

سوی کشورهای غربی و آمریکا به شدت مورد حمایت قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که این کشورها توجه چندانی به طرح‌های جایگزین برای ایجاد معماری نوینی در نظام مالی جهان ندارند.

تقویت نقش یورو: نگاهی به رشد سهم یورو در ذخایر جهانی از ۱۹/۲ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۲۶/۵ درصد در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد یورو کم‌کم به عنوان رقیب جدی برای ارز ذخیره بین‌المللی مطرح می‌شود. ادامه وضع کنونی باعث می‌شود احتمالا ترکیبی از دلار و یورو به عنوان ارزهای رایج بین‌المللی مدنظر قرار گیرد. بزرگ‌تر بودن اقتصاد حوزه یورو نسبت به آمریکا و گستردگی تجارت اتحادیه اروپا مهم‌ترین نقاط قوت یورو هستند. از سویی نقدشوندگی در بازارهای مالی اروپا به نسبت آمریکا کمتر است. مساله دیگر منحصر به فرد نبودن نظام سیاسی و عدم یکپارچگی و قدرت واحد سیاسی در اروپاست. امری که تلاش می‌شود با وحدت بیشتر کشورهای اروپایی مدنظر قرار گیرد. مساله دیگری که در ارتباط با یورو مطرح است، تنوع اوراق قرضه اروپایی و تمایزات و ویژگی‌های مختلف آنها است. دولت‌های مرکزی بر مبنای قوت و ضعف و نیز نیازهای مالی‌شان اوراق خزانه متنوعی منتشر می‌سازند و همین امر قدرت یورو را به عنوان ارز مسلط بین‌المللی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به هر تقدیر اگر بحث ارز جایگزین برای دلار قابل طرح باشد، بی‌شک یورو محتمل‌ترین گزینه است. گزینه‌ای که خود ناشران آن، جایگزینی دلار با یورو را رد می‌کنند. به نظر می‌رسد این کشورها به دنبال آن هستند تا دلار بیشتر ضعیف شده و طی یک فرآیند طبیعی یورو جایگزین دلار شود. روندی طبیعی که در رشد ذخایر ارزی جهان به یورو قابل ملاحظه است.

نظام مالی بر مبنای SDR: ایده دیگر جهت جایگزینی دلار توسعه واحد پولی صندوق بین‌المللی پول یا همان SDR است. اگر منظور از به کارگیری SDR، ایده نقش‌آفرینی سبدي از ارزها با وزن‌دهی مناسب باشد، باید اذعان کنیم که این ایده طرفداران بسیاری در میان ملل در حال توسعه دارد.

روسای جمهور کشورهای چین و روسیه پیش از اجلاس ۲۰G، رسماً از تمایل کشورهای متبوعشان به جایگزینی دلار با سبدي از ارزها سخن گفتند. کمیسیون متخصصین شورای عمومی سازمان ملل در رابطه با اصلاح سیستم پولی و مالی بین‌المللی به ریاست جوزف استیگلیتز پیشنهاد کرده است SDR کم‌کم جایگزین دلار شود. این ایده اگر چه برای کشورهای در حال توسعه مناسب به نظر می‌رسد، لیکن احتمال وقوع پایینی دارد. همچنین از آنجا که منظور برخی کشورها همچون چین و روسیه از این پیشنهاد ورود ارزهایشان به سبد شمول SDR است، کار به مراتب سخت‌تر است.

در واقع انتظار می‌رود در یک نظام پولی بر مبنای حق برداشت مخصوص، نوسان‌های مالی کمتری نسبت به نظام پایه‌دلار مشاهده شود. البته این امر به تفاوت تصمیم‌گیری کنگره آمریکا و فدرال رزرو در نظام پایه‌دلار و رای‌گیری از جمع‌کثیری از کشورهای عضو SDR نوظهور برمی‌گردد. لیکن به دلیل ذی‌نفع بودن بیشتر کشورها خصوصاً تحقق شعار «یک کشور، یک رای» شاید انتظار کاهش تورم چندان دور از دسترس نباشد. مساله دیگر در

نظام پایه SDR، رفع انحصار ازدولار در برخورداری از حق امتیاز ویژه چاپ ذخایر بین‌المللی و تامین مالی کم هزینه است. در نظام جدید این حق به شیوه مناسب‌تری تقسیم خواهد شد. از سوی دیگر بسیار قابل تصور است که مکانیزم‌هایی برای کاهش کسری‌ها و مازادهای تجاری در ساز و کار جدید تعبیه شود.

مزیت دیگر SDR می‌تواند ثبات نسبی و کاهش احتمال زیان در ذخایر پولی باشد. امری که هم‌اکنون نیز از توجه بانک‌های مرکزی در ایجاد ذخایر به SDR قابل مشاهده است.

از سوی دیگر ایجاد چنین ساز و کار جدیدی چندان هم آسان نیست. برخی اقتصاددانان با تقسیم‌داری بانک مرکزی به SDR و سایر ارزها مخالفند و معتقدند این سیستم، نظام ناقص پایه حق برداشت مخصوص است. هیرش معتقد است نیل به اهداف پولی مورد نظر در نظام جدید فقط در شرایطی قابلیت تحقق دارد که نظام کامل پایه حق برداشت مخصوص اجرا شود. نظامی که تضمین کند بانک‌های مرکزی فقط برحسب SDR ذخایر خود را نگهداری خواهند کرد. تنها در این صورت است که از تشکیل ذخایر پولی در بانک‌های مرکزی جلوگیری می‌شود. اگر از مباحث نظری سیستم پایه SDR بگذریم، پیاده‌سازی آن در عمل نیز با مشکلاتی روبه‌رو است. مهم‌ترین مساله حجم کم انتشار است که کاربرد آن را فقط به رفع برخی مشکلات حسابداری بانک‌های مرکزی محدود ساخته است. اگر چه یکی از تصمیمات سران G20، انتشار بیشتر SDR توسط صندوق بین‌المللی پول به میزان ۲۵۰ میلیارد دلار بود، لیکن این حجم ذخایر اگر هم محقق شود چیزی در حدود ۴ درصد ذخایر بین‌المللی را شامل می‌شود. همچنین اگر این پیشنهاد محقق شود، هنوز هم نقش دلار و یورو به عنوان ارزهای تعیین‌کننده در ارز نوظهور احتمالی بین‌المللی قابل ملاحظه خواهد بود.

نظام‌های ارزی منطقه‌ای: تلاش برای فاصله گرفتن از دلار باعث شده است حرکت‌هایی برای ایجاد ارزهای منطقه‌ای دنبال شده و تقویت شود. این توافقات از ایجاد ناحیه‌های تجاری آزاد مشترک و ایجاد بازارهای مبادلات ارزی مشترک منطقه‌ای گرفته تا ایجاد ارزهای جدید بین‌المللی را دربرمی‌گیرد. مدل موفق اتحادیه اروپا و ظهور یورو باعث شده در جنوب شرق آسیا، آمریکای جنوبی (آلبا)، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، آمریکای شمالی و اکو و حتی آفریقا نیز زمزمه‌های ایجاد ارزهای جدید به گوش برسد. در این میان فقط ناحیه جنوب شرق آسیا است که با ایجاد بازار آزاد میان آسه‌آن و چین و نیز تاسیس صندوق مشترک ارزی با همکاری چین و ژاپن و کره جنوبی و در آینده آسه‌آن، تاسیس صندوق پولی آسیا و ارز مشترک آسیایی را بسیار محتمل گردانده است.

به هر تقدیر اگر کشورها بتوانند بر مشکلات ارائه پول بین‌المللی جدید فائق بیایند، می‌توان انتظار داشت نظام ارزی آینده بین‌المللی ترکیبی از چند ارز منطقه‌ای قدرتمند باشد. این مساله باعث ایجاد ثبات مالی بین‌المللی بیشتری نیز می‌شود. چرا که مازادها و کسری‌ها که عامل مخرب نظام مالی بین‌المللی هستند در درون بلوک‌ها تسویه شده و تعادل اقتصادی مناسب‌تری میان بلوک‌های اقتصادی جهانی قابل تصور است. این مدل ارزی، ثبات سیاسی و امنیتی مناسبی را نیز به همراه دارد. در واقع توازن قوا میان بلوک‌های اقتصادی، به کنترل بهتر تعارضات بین‌المللی کمک

می‌کند. به هم پیوستگی درونی بلوک‌ها باعث می‌شود، تعارضات درونی بدون دخالت خارجی و توسط بازیگرانی که خود دخیل در هزینه و فایده یکدیگرند به‌صورت کارآتری حل و فصل شود. اگر چه روندهای جهانی به این سمت پیش می‌روند، لیکن تا شکل‌گیری بلوک‌های متوازن جهانی با جمعیت، قدرت اقتصادی و سیاسی مجتمع، هنوز راه زیادی در پیش است.

موافقت‌نامه‌های پایاپای ارزی : ایجاد موافقت‌نامه‌های پایاپای ارزی (۱۲) یا سوآپ رسمی اسعار اولین بار در دهه ۱۹۶۰ میان بانک‌های مرکزی کشورهای عضو IMF جهت مقابله جریان انتقال سرمایه میان کشورها و تثبیت نظام ارزی مورد استفاده قرار گرفت.

در این موافقت‌نامه‌ها هر بانک مرکزی، حسابی به نفع بانک مرکزی دیگر لیکن به واحد پولی رسمی کشور خود باز می‌کرد. با انجام معاملات سلف ارزی (۱۳) بانک‌های مرکزی با افزایش تنزیل سلف ارز یا کاهش ارزش آتی ارز جریان‌های غیرتثبیت‌کننده پولی میان دو کشور را کنترل می‌کردند. میزان زیادی از این موافقت‌نامه‌ها طی دهه ۱۹۶۰ میان آمریکا و انگلستان منعقد شد. سوآپ رسمی اسعار از ۱۸ میلیارد دلار در ۱۹۷۳ به ۳۰ میلیارد دلار در ۱۹۸۵ افزایش پیدا کرد.

الگوی مالی دیگری که قابل‌توجه است، گونه‌ای از این موافقت‌نامه‌ها است که به حذف ارز کشور ثالث در معاملات ارزی دوجانبه کشورها می‌انجامد. در این صورت معاملات تجاری دو طرف بر مبنای ارزهای طرفین انجام می‌شود. حساب ارزی کشورها نزد بانک مرکزی طرفین در پایان دوره‌های زمانی معینی با نرخ بهره معین یا قراردادهای سلف تسویه می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این نظام مالی کاهش نیاز معاملاتی بین‌المللی به ارزهای جهان‌روا است. در یک‌ساز و کار عادلانه به میزان رشد تولید هر کشور و صادرات بیشتر، ارز کشورها نیز عمومیت می‌یابد. این در حالی است که پوشش ریسک نرخ ارز مهم‌ترین مشکل اجرایی این نوع قراردادهاست. انواعی از قراردادهای سلف، اختیار معامله یا سوآپ برای پوشش ریسک طرف‌های معامله مورد نیاز خواهد بود. همچنین تعدد موافقت‌های دوجانبه کشورها با یکدیگر توان حسابداری و مذاکره زیادی را طلب می‌کند. امروزه اکثر این موافقت‌نامه‌ها در قالب همکاری‌های منطقه‌ای و گروهی به‌عنوان سنگ بنای ایجاد ارزهای جدید مورد استفاده قرار می‌گیرند.

استاندارد کالایی: از آنجا که ایجاد پول بدون پشتوانه سرآغاز مشکلات مالی در عرصه ملی و بین‌المللی بوده‌است، برخی پیشنهاد داده‌اند مدل‌های مالی مناسب بین‌المللی چاره‌ای جز بازگشت به پایه‌های واقعی پولی ندارند. در این دیدگاه که پشتوانه قوی تئوریک در میان اقتصاددانان دارد بر ماهیت خصوصی پول‌های اولیه تاکید شده و در مقابل وسوسه دولت‌ها برای سیطره بر پول ایستادگی می‌شود. طی یکصد سال اخیر، دولت‌ها با بهانه‌هایی نظیر افزایش اعتماد، وابستگی حجم پول به اکتشاف طلا، کاهش سطح قیمت‌ها و رکود بزرگ ۱۹۳۰ و در انتها سیاست‌های کینزی برای کنترل و تعدیل اقتصادی، سیطره خود را بر پول کامل کردند. بنابراین سیستم‌های استاندارد کالایی با هدف حفظ مالکیت خصوصی و جلوگیری از دست‌اندازی دولت، بر این نکته تاکید دارند که متوسط تورم و رشد اقتصادی در دوره‌های پول کالایی بسیار مناسب‌تر از دوره‌های پول دولتی بوده‌است. اگر چه با ایده استقلال بانک مرکزی و نیز سیاست‌های حفظ ارزش پول، نرخ تورم در چند دهه اخیر کنترل شده، لیکن عدم پشتوانه پولی خصوصاً در مورد دلار آمریکا باعث بروز نوسان‌ها و بحران‌های مکرر مالی در عرصه بین‌المللی شده‌است. فریدمن

از پیشگامان دیدگاه پولی در اقتصاد، تاکید می‌کند که مدل مناسب پول نه حتی پایه طلا ساختگی که دولت در آن قیمت‌گذار طلا است، بلکه پایه طلای واقعی است که طلا در بازار آزاد کشف قیمت می‌شود و بانک‌های تجاری و موسسات پولی ضامن تبدیل‌پذیری پول اعتباری به طلا هستند. مدل متناسب با این رویکرد در عرصه بین‌المللی ایجاد سبدهی از کالاها است که مشترکاً پایه پول را رقم بزنند. روسیه از مهم‌ترین کشورهایی است که با مطرح کردن ورود انرژی به سبد کالایی، از واقعی شدن پایه پول بین‌المللی به شدت حمایت می‌کنند. این دیدگاه به دلیل ایجاد محدودیت گسترده در کنترل‌های پولی درون کشورها به هیچ‌وجه مورد توجه سیاستمداران واقع نشده‌است. به نظر می‌رسد جهان هنوز فاصله زیادی تا تحقق این ایده دارد.

سایر ارزها: جایگزین‌های ارزی که برای دلار مطرح می‌شوند هیچ‌کدام نمی‌توانند به عنوان جایگزین مناسبی جهت دلار مطرح شوند. ین و پوند به‌رغم نقدشوندگی بالا و انسجام و قدرت سیاسی مناسب دول منتشرکننده، هر دو از بزرگ نبودن کافی اقتصاد کشورهای مربوطه؛ یعنی ژاپن و انگلستان، رنج می‌برند. از سوی دیگر قدرت سیاسی ژاپن و انگلستان قابل مقایسه با آمریکا نیست. ین نیز اگر چه از مزیت‌های مهمی چون اندازه اقتصاد چین و قدرت سیاسی مناسب دولت چین برخوردار است، لیکن عدم توسعه مناسب بازارهای مالی چین محدودیت بزرگی در راه گسترش یوآن ایجاد می‌کند. نقدشوندگی پایین و کنترل‌های کندکننده جریان‌های پولی در اقتصاد چین مانع از مطرح شدن یوآن به عنوان ارز ذخیره و معاملاتی مناسب بین‌المللی می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به‌نظر می‌رسد، استراتژی حرکت کشور باید در سه بازه زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تحلیل شود. پیشنهاد نگارنده این است که در بازه کوتاه‌مدت بهترین استراتژی انجام موافقت‌های دوجانبه میان ایران و کشورهایی است که با ایران مبادلات متوازی دارند. این مساله علاوه بر اینکه ابزار تحریم مالی ایران را کم اثر می‌سازد فشاری را بر ایران وارد می‌آورد که ارزش پول خود را برای مدت معینی تضمین نماید. از سوی دیگر یکی از مزیت‌های جمهوری اسلامی ایران در این خصوص وجود اتحادیه پایاپای آسیایی (۱۴) است؛ چرا که بانک مرکزی ایران به عنوان بانک عامل با در اختیار داشتن دبیرخانه این اتحادیه می‌تواند با اعمال اصلاحات مقتضی در کارکرد اتحادیه، اجرایی شدن استراتژی مذکور را تسریع کند. این موافقت‌نامه‌ها می‌تواند مقدمه تشکیل اتحادیه‌های همکاری ارزی و تجاری باشد که ایران در میان مدت باید پیگیری کند. همکاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس، کشورهای عضو اکو یا کشورهای عضو پیمان شانگهای بسترهایی هستند که ایران باید از مسیر آنها خود را وارد همکاری‌های مشترک منطقه‌ای کند. ایران با در اختیار داشتن منابع عظیم نفت و گاز می‌تواند از این ابزار در راستای اجرایی شدن استراتژی مذکور استفاده کند، به گونه‌ای که فروش نفت، گاز و محصولات پتروشیمی خود را منوط به شروطی چون پرداخت ریالی یا موافقت‌نامه‌های پایاپای ارزی نماید. غنای منابع نفت و گاز و مواد معدنی نیز می‌تواند انگیزه‌ای برای ایران باشد تا در بلندمدت از شکل‌گیری پول‌های بین‌المللی با استاندارد کالایی حمایت کند؛ چرا که منابع معدنی به احتمال فراوان در پول فرضی بین‌المللی کالایی سهم مهمی خواهند داشت.

منابع در دفتر روزنامه موجود است.

پاورقی:

۱ - کارشناسی ارشد اقتصاد و دانشجوی دکترای دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵m_narimani@yahoo.com_

۲ - Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

۳ - gold standard

۴ - gold exchange standard

۵ - International Monetary fund

سازمان وابسته به سازمان ملل متحد برای بسط همکاری‌های پولی، تثبیت نرخ اسعار و بهبود و اصلاح نظام پرداخت‌های بین‌المللی است.

۶ - International Bank for Reconstruction and Development

این بانک با هدف کمک به جبران خرابی‌های ناشی از جنگ تاسیس شد. پس از آن و با توجه به نیاز کشورهای در حال توسعه این بانک به بانک جهانی world bank تغییر نام داد و به اعطای وام به کشورهای در حال توسعه پرداخت.

۷ - (Special Draw Right (SDR

۸ - حساب جاری در این نمودار، حاصل تفریق واردات کالا و خدمات از صادرات کالا و خدمات است.

۹ - حساب جاری در این نمودار، حاصل تفریق واردات کالا و خدمات از صادرات کالا و خدمات است.

۱۰ - www.imf.com

۱۱ - http://en.wikipedia.org/wiki/United_States_federal_budget

۱۲ - Swap arrangement

۱۳ - foreign exchange futures

۱۴ - Asian clearing union (ACU)

انتقاد به شیوه سلیقه‌ای مناقصه

دبیر کارگروه علمی بررسی قانون برگزاری مناقصات، از اجرای نادرست این قانون خبرداد و گفت: «اجرای این قانون در کشور تا حدودی سلیقه‌ای شده است.»

به گزارش خبرنگار ما، بعد از گذشت شش سال از تصویب قانون برگزاری مناقصات در مجلس شورای اسلامی، این قانون هنوز به درستی اجرا نمی‌شود. اجرای نادرست قانون برگزاری مناقصات، انتقاد دبیر علمی کارگروه علمی بررسی قانون مناقصات را به دنبال داشته است.

البته ناگفته نماند که بودجه عمرانی ۳۱/۷ هزار میلیارد تومانی دولت برای سال ۸۹ از یک طرف و ارزش ۳۲۰/۷ میلیارد دلاری پروژه‌های در دست اجرای کشور به تخمین «مید» از طرف دیگر، باعث شده ایران به یک بازار جذاب برای مناقصه‌گران و مناقصه‌گذاران مبدل شود. جذابیت‌های بالقوه و بالفعل بازار مناقصات ایران هم، پیمانکاران و فعالان این بخش از اقتصاد را با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو کرده است.

صاحب‌نظران و تحلیل‌گران اقتصادی، براین باورند که درز اطلاعات و قیمت پیشنهادی رقبای، انتخاب سلیقه‌ای پیمانکاران، پرداخت‌های غیررسمی، فاکتورهای صوری، نشت اطلاعات شرکت مناقصه‌گذار، مشاوره‌دهی برخی مجریان به پیمانکاران خاص در خصوص نحوه حضور در مناقصه و بسیاری از این دست موارد، نگرانی‌های فراوانی را برای صنعتگران به وجود آورده است؛ چراکه در این شرایط امکان رقابت عادلانه از بسیاری از آنها سلب شده و با از میان رفتن شرایط برابر رقابتی، عملاً بسیاری از صنعتگران از گردونه رقابت کنار می‌روند.

به گفته کارشناسان، برخی از مناقصه‌گذاران برای جلوگیری از آگاهی همگانی پیمانکاران، دست به ترفندهایی همچون انتشار آگهی مختصر در نشریات کم مخاطب می‌زنند تا به قول معروف با یک تیر دو نشان بزنند. مناقصه‌گذاران با این اقدام، هم به قانون عمل کرده‌اند و اطلاع‌رسانی کرده‌اند و هم بسیاری از پیمانکاران را بی‌خبر نگه داشته‌اند.

واقعیت این است که اجرای قانون برگزاری مناقصات، آنطور که در نص صریح قانون به آن اشاره شده، اجرا نمی‌شود.

دبیر کارگروه علمی بررسی قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های آن در یک نشست خبری، به شیوه کنونی اجرای این قانون اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه این قانون در کشور تا حدودی سلیقه‌ای شده است.» به گزارش «فارس»، «علی قره‌داغلی» ادامه می‌دهد: «هیچ دستگاهی حق تهیه لیست سیاه از شرکت‌های مناقصه‌گر را ندارد.»

به گفته وی، در حالی که تهیه لیست سیاه تنها بر اساس رای مراجع قضایی یا آیین نامه مصوب هیات وزیران که به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری محول شده است، امکان پذیر است و هیچ دستگاه یا نهادی حق تهیه لیست سیاه برای خود ندارد. اگر مواردی هم باشد که پیمانکاری تخلف کرده باشد باید به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری گزارش شود تا آنان پیمانکار متخلف را در لیست سیاه قرار داده یا محرومیت هایی برای وی در نظر بگیرند.

این کارشناس حقوقی ادامه می دهد: «در ایران بر اساس قانون مدنی انتظار می رود بعد از ۱۵ روز از تصویب قانونی، آن قانون قابلیت اجرایی یابد، در حالی که چنین چیزی امکان پذیر نیست؛ چرا که با تصویب قانون فقط کسانی که در کار تدوین و تصویب آن بوده اند با جزئیات آن آشنایی کامل دارند و بسیاری از مجریان قانون به دلیل عدم آشنایی کامل با آن قانون، بر اساس برداشت های شخصی به اجرای قانون می پردازند.»

این کارشناس حقوقی ادامه می دهد: «این امر باعث شده است، در اجرای یک قانون ثابت، رویه های اجرایی متفاوتی ایجاد شود که باعث سردرگمی می شود.»

«قره داغلی» تصریح می کند: «در قانون مناقصات هم چنین جوی حاکم شده و بسیاری از مجریان آن با برداشت های شخصی قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه ها آن را اجرا می کنند.»

دبیر کارگروه بررسی قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های آن با بیان این که در قانون مناقصات اولین بار به قیمت مناسب اشاره شده است، می افزاید: «متأسفانه بسیاری از دستگاه های اجرایی از آن جا که توان یا دانش تراز کردن قیمت ها را ندارند، کم ترین قیمت را مبنای برنده شدن در مناقصه می دانند و این به یک روال عادی بدل شده است.»

وی با اشاره به این که پروژه های عمرانی از کمترین قیمت، بیشترین آسیب را دیده اند، می گوید: «پیمانکار برنده با کمترین قیمت راهی جز کاهش کیفیت کالا و تجهیزات کاربردی در پروژه ندارد یا با طولانی کردن زمان اجرای پروژه تلاش دارد با استفاده از تعدیل بها، قیمت خود را اصلاح کند.»

«قره داغلی» همچنین با دیده شدن مناقصات محدود در قانون می افزاید: «متأسفانه بسیاری از دستگاه های اجرایی این نوع مناقصات را برابر قانون اجرا نمی کنند. مثلاً در تهیه لیست های بلند و در برگزاری این نوع مناقصات بیشتر میل و اراده شخصی حاکم است تا اجرای صحیح قانون.»

با تصویب قانون برگزاری مناقصات در مجلس شورای اسلامی و عدم تایید آن از سوی شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاح آن در بهمن ماه ۸۳ قانون مناقصات را تصویب کرد و از سوی دولت وقت ابلاغ شد تا تمامی دستگاه های مشمول تمامی خریدهای خود را براساس این قانون انجام دهند. دبیر کارگروه بررسی قانون مناقصات با بیان این که پیمانکاران یا مناقصه گران بر اساس قانون «اساسنامه هیات رسیدگی به شکایات قانون

برگزاری مناقصات» حق شکایت از مناقصه‌گذار و نحوه برگزاری مناقصه را دارند، گفت: متأسفانه این حق به خاطر وجود ترس از قرار گرفتن در لیست سیاه از سوی دستگاه‌های مناقصه‌گذار، باعث شده که حتی با دیدن تخلفات آشکار، از شکایت و احقاق حق خود صرف نظر کنند.

این کارشناس حقوقی، یکی از ضعف‌های اجرای قانون مناقصات را معاملات کوچک و متوسط دانست و افزود: بالا بودن تعداد این گونه معاملات، باعث شده است علاوه بر آن که آمار کاملی از آنها اعلام نشود؛ بلکه نظارتی نیز بر آنها وجود نداشته باشد؛ بنابراین نظارت و پیگیری آنها از واجبات است که باید نهادهای نظارتی در آن وارد شوند.

«قره داغلی» آمار تعداد مناقصات و مزایادات برگزار شده را بر اساس ثبت در روزنامه مناقصه - مزایده که از ۹۰ روزنامه، نشریه و سایت کشوری جمع‌آوری می‌شود، اینطور بازگو می‌کند: «در سال ۸۵ تعداد مناقصات برگزار شده ۲۰ هزار و ۹۷۰ عدد بوده است و سال ۸۶ با یک رشد خوب به ۲۸ هزار و ۷۸۹ عدد رسید. این روند رشد در سال ۸۷ هم ادامه داشت که تعداد مناقصات برگزار شده به ۳۶ هزار و ۸۶۳ مناقصه رسید.»

وی ادامه می‌دهد: «اما در سال ۸۸ با توقف روند رشد برگزاری مناقصات شاهد کاهش اندکی بودیم که در این سال ۳۲ هزار و ۲۷۲ مناقصه و مزایده برگزار شد. امسال نیز تا پایان مرداد ماه تعداد مناقصات و مزایادات برگزار شده ۱۸ هزار و ۲۶۱ عدد است که در مدت مشابه سال ۸۸ این تعداد ۱۶ هزار و ۷۱۲ و در سال ۸۷ به ۱۴ هزار و ۹۴۵ مناقصه و مزایده رسیده بود.»

طی سال‌های ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸ و ۸۹ روزانه به طور متوسط به ترتیب ۷۴، ۹۶، ۱۲۵، ۱۱۹ و ۱۶۴ مناقصه برگزار شده است.

«قره داغلی» گفت: برابر قوانین؛ سازمان بازرسی حق ابطال مناقصه یا مزایده‌ای را ندارد، لذا با توجه به حضور نمایندگان این سازمان در روند اجرای مناقصات و مزایادات، این نمایندگان با مشاهده تخلفات می‌توانند تذکرات لازم را به دستگاه مربوطه بدهند و کمیسیون‌های مناقصات دستگاه‌های مربوطه هستند که حق ابطال یا لغو مناقصه و مزایده دارند. وی این کار سازمان بازرسی را پیشگیری می‌خواند و تصریح می‌کند: «سازمان بازرسی با چنین عملی همان کار پیشگیری بهتر از درمان را در برگزاری مناقصات و مزایادات انجام می‌دهد که کم‌ترین هزینه را دارد.»

دبیر کارگروه بررسی قانون مناقصات یکی از ضعف‌های این قانون را عدم وجود تبصره یا ماده‌ای برای حضور خبرنگاران در روز بازگشایی پاکت‌ها بیان می‌کند و می‌گوید: «حضور خبرنگاران در زمان بازگشایی پاکت‌های قیمت منجر به شفاف‌سازی بالا می‌شود، به گونه‌ای که در ترکیه در مزایده‌های توزیع شبکه برق و گاز شاهد برگزاری مزایده تلویزیونی بودیم، مزایداتی که به صورت زنده از شبکه‌های خبری ترکیه پخش می‌شد.»

وی خواهان برگزاری چنین مناقصه و مزایده‌هایی در کشور می‌شود و می‌گوید: «دولت باید از حضور خبرنگاران در روز بازگشایی پاکت قیمت‌ها حمایت کند.»

فاز جدید توسعه صنعتی

از سری جدید بیوایمپلنت‌ها تا تولید خودروهای هیبریدی

ایران برای افزایش سهم صنایع داخلی از بازارهای بین‌المللی و بالابردن سهم صنعت از تولید ناخالص ملی، سیاست‌های جدیدی را اتخاذ کرده است. برخی از کارشناسان معتقدند با اتخاذ سیاست‌های صنعتی برای ورود به عرصه صنایع نوین، مزیت‌های نسبی و رقابتی جدیدی خلق خواهد شد. تولید خودروهای هیبریدی، تولید نسل جدیدی از توربین‌ها و سری جدید ایمپلنت‌ها بخشی از صنایع فناوری محور است که تهران آن را دنبال می‌کند.

رئیس هیأت‌عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران در یک نشست خبری گفت: متأسفانه در لیست نهایی واگذاری‌های طرح‌ها و پروژه‌ها در سال ۸۹ تعدادی طرح که هنوز اجرا نشده بود نیز برای واگذاری به بخش خصوصی در لیست نهایی شده بودجه سال ۸۹ موجود بود که بدون اطلاع سازمان گسترش بود و با همکاری‌های انجام شده تا حدودی این مشکل برطرف شده است.

به گزارش خبرگزاری‌ها، «سیدمجید هدایت» در خصوص مشکل سازمان گسترش و نوسازی صنایع در سال جاری برای واگذاری طرح‌هایی که هنوز اجرا نشده‌اند با بیان اینکه ۵۹ طرح و مجموعه در لیست نهایی شده قرار داشت که با کمک وزیر برای آنها تصمیم‌گیری شده است؛ چرا که وجود این طرح‌ها در بودجه دست ما را بسته است، در رابطه با ابهامات واگذاری شرکت‌های سایپا و ایران خودرو اظهار داشت: وزارت صنایع و معادن و سازمان گسترش و نوسازی صنایع چندان در واگذاری این دو شرکت دخیل نبوده‌اند.

هدایت همچنین در خصوص بحث هواپیماسازی در ایدرو گفت: برنامه‌ریزی‌های خوبی در این خصوص انجام شده و در حال اجرا است؛ اما به‌زودی در بحث ساخت هواپیماهای سبک و سنگین به توفیقات خوبی دست خواهیم یافت.

وی همچنین، به تولید واگن مترو ملی اشاره کرد و افزود: در بحث ریلی عقب ماندگی زیادی داریم که با توجه به میزان باری که در ۵ سال آینده در کشور جابه‌جا خواهد شد باید سهم ریل را افزایش دهیم.

معاون وزیر صنایع و معادن همچنین از توافق صورت گرفته با معاون فناوری اطلاعات ریاست جمهوری برای تولید خودرو هیبریدی تا ۱۸ ماه آینده خبر داد و گفت: به این جهت سه نمونه خودرو داخلی به صورت هیبریدی تحویل خواهد شد.

هدایت همچنین در مورد آیین‌نامه اتمی نیز اظهار داشت: در خصوص ساخت نیروگاه سیکل ترکیبی و chp وارد شده‌ایم و هنوز در مورد آیین‌نامه اتمی بحثی در خصوص ساخت نیروگاه اتمی نداریم.

هدایت افزود: طی ۱۰ ماه آینده موتور دیزل سنگین ۸۷D را به بازار ایران و جهان عرضه می‌کنیم که در سه حوزه صنایع دریایی، ریلی، تولید گرما و برق کاربرد دارد.

معاون وزیر صنایع با تأکید بر حضور در بازارهای بین‌المللی و توسعه صادرات تصریح کرد: باید طراحی و ایجاد خطوط تولید بازارهای بین‌المللی در کنار بازارهای داخلی مدنظر قرار گیرد.

وی با اشاره به فعالیت شرکت‌های داخلی در صادرات خدمات فنی مهندسی و ایجاد خطوط تعمیراتی افزود: صادرات یکی از مباحث اساسی سازمان گسترش است و باید از سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و توسعه صادرات در این بخش حمایت شود.

رئیس هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع با بیان اینکه هم‌اکنون صنایع داخلی به بخش کوچکی از بازار بیوایمپلنت جهان دست یافته است، افزود: در صورت توسعه هشت کارخانه تولید بیوایمپلنت تا سال ۹۰ می‌توانیم به بخش قابل توجهی از بازار ۲۲۰ میلیارد دلاری این بخش در سطح جهان دست یابیم.

وی همچنین به قابلیت‌های کشور در تولید کاتالیست اشاره کرد و افزود: با توسعه زیربخش‌های تولید کاتالیست قادر به تأمین ۷ هزار تن نیاز داخلی و کسب یک میلیارد دلار بازار صادراتی این محصول خواهیم بود.

هدایت در ادامه طرح‌های ارتقاء، پیشرو، توسعه و استقرار را از طرح‌های مهم این سازمان عنوان کرد و گفت: طرح توسعه یکی از موفق‌ترین طرح‌های این سازمان است که طی آن وام‌های کم بهره با ۶ تا ۸ درصد سود و بازپرداخت پنج ساله در اختیار صاحبان ایده برای تبدیل طرح به فناوری‌های پیشرفته اعطا شده است.

وی بودجه طرح‌های توسعه‌ای را بالغ بر ۱۸ میلیارد تومان در سال جاری پیش‌بینی کرد و توضیح داد: در زمینه طرح‌های نوین ساختمانی نیز سند توسعه صنایع ساختمانی به تصویب رسیده است که در مجموع طرح‌های این بخش به نوزده مورد می‌رسد.

در همین حال، معاون گسترش پروژه‌های صنعتی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) از تعدیل قرارداد مربوط به پروژه فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی خبر داد.

«صفرخلیل ارجمندی» درباره آخرین وضعیت پیشرفت فیزیکی فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی گفت: پیشرفت فیزیکی این دو فاز هم‌اکنون به حدود ۵۰ درصد رسیده و قیمت اجرایی این پروژه نیز تعدیل و قرار شد یک میلیارد دلار دیگر به اجرای پروژه اختصاص یابد که این موضوع به تصویب رسیده است.

وی زمان تکمیل فازهای ۱۷ و ۱۸ را سال آینده (۱۳۹۰) دانست و افزود: تا پایان سال ۱۳۹۰ اجرای پروژه فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی نیز به پایان می‌رسد.

او با اشاره به امضای قرارداد فاز ۱۴ پارس جنوبی در خرداد امسال گفت: مدت زمان اجرای این پروژه حداکثر ۴۰ ماه بوده و ارزش این قرارداد به ۵ میلیارد و ۲۴۹ میلیون دلار می‌رسد و کنسرسیومی متشکل از هشت شرکت داخلی اجرای آن را برعهده دارند.

معاون ایدرو همچنین از در دست اجرا بودن ۱۰ میلیارد دلار پروژه‌های نفت و گاز و حمل و نقلی توسط ایدرو خبر داد و گفت: دو تا سه میلیارد دلار دیگر نیز در زمینه پروژه‌های نیروگاهی در دست مذاکره داریم.

معاون صنایع پیشرفته سازمان گسترش و صنایع ایران (ایدرو) از به تولید رسیدن سومین محصول مربوط به بیوایمپلنت‌ها در ایران خبر داد. «رمضانعلی صادق‌زاده» گفت: سومین محصول مربوط به بیوایمپلنت‌ها به نام تاندوم بگامان در کشور به تولید رسیده است.

وی از گسترش مراکز تولید بیوایمپلنت‌ها در هشت نقطه کشور خبر داد و افزود: کار روی انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی‌های بادی و خورشیدی از برنامه‌های امسال ایدرو است و هدف‌گذاری شده که پنج هزار مگاوات برق از انرژی بادی تولید شود.

به گزارش فارس، «رحیم اسماعیلی دانا»، قائم مقام رییس سازمان گسترش نیز در این نشست با اشاره به واگذاری ۲۲۷۵ میلیارد تومان از سهام شرکت‌های زیر مجموعه سازمان گسترش در سال ۸۹ گفت: مجوز انتشار ۵۰۰ میلیون یورو اوراق مشارکت ارزی برای این سازمان صادر شده است.

وی افزود: سال گذشته ۴۹۷ میلیون دلار صادرات توسط ۳۲ شرکت زیر مجموعه سازمان گسترش صورت گرفته است.

۴۵۵ میلیارد تومان در آمد، ۲۲۷۵ میلیارد تومان هزینه

این است تجارت دولتی برق در تهران

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران با بیان اینکه سال گذشته ۴۵۵ میلیارد تومان برق فروخته شد، گفت: میزان سرمایه گذاری برای نصب یک کنتور برق برای مشترکان تهران ۴ برابر بیشتر از فروش یک کنتور برق است.

سید محمد هاشمی افزود: برای نصب یک انشعاب و کنتور برق از مشترکان ۳۰۰ هزار تومان دریافت می شود در حالی که برای نصب همین کنتور برق باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان سرمایه گذاری و هزینه شود؛ یعنی ۴ برابر باید برای هزینه و نصب کنتور سرمایه گذاری شود. وی ادامه داد: هزینه انشعاب و فروش کنتور برق در سال گذشته ۷۴ میلیارد تومان بود که اگر بخواهیم این کنتورها را نصب کنیم باید ۶۰۰ میلیارد تومان هزینه و سرمایه گذاری شود. هاشمی گفت: از فروش انرژی برق در سال گذشته ۱۹ هزار میلیون کیلووات ساعت، ۴۵۵ میلیارد تومان دریافت شد که برای سرمایه گذاری تولید همین انرژی ۵ برابر همین مبلغ یعنی ۲۲۷۵ میلیارد تومان نیاز است. وی تاکید کرد: هزینه تولید برق بعد از سرمایه گذاری ساخت یک نیروگاه برای هر کیلووات ساعت ۸۳ تومان است در حالی که فروش آن به مشترکان ۲۳ تومان؛ یعنی یک چهارم قیمت است.

برنج هندی، واردات به ایران توقف در آلمان

وزیر بازرگانی در مورد برنج های وارداتی مظنون به آلودگی عنوان کرد که شواهدی دال بر آلوده بودن آنها وجود ندارد؛ به همین دلیل وزارت بهداشت و موسسه استاندارد پاسخی به نامه وی نداده اند که این یعنی واردات برنج های هندی همچنان ادامه خواهد داشت.

به گزارش «ایسنا»، پس از آنکه آلوده بودن برنج های وارداتی در مجلس شورای اسلامی تایید شد و پس از آن احمد ناطق نوری، یکی از اعضای هیات رییسه مجلس هم خبر داد که با وارد کنندگان این نوع برنج ها برخورد خواهد شد؛ وزیر بازرگانی نامه ای برای تعیین تکلیف واردات این نوع برنج ها به مسوولان مربوطه نوشت، اما گویی دستگاه های مربوطه به آلوده بودن این برنج ها نرسیده اند.

مهدی غضنفری در این مورد تصریح می کند: هیچ مستندات و نامه ای دال بر آلوده بودن برنج ها از دستگاه های تخصصی به ما نرسیده است.

وزیر بازرگانی در ادامه در پاسخ به این سوال که وزارت بازرگانی تا چه زمانی منتظر پاسخ این دستگاه‌ها خواهد ماند؟ متذکر می‌شود: بحث صبر کردن نیست. چون در نامه نوشته بودیم، اگر به چنین مواردی دست پیدا کردند یا آزمایش‌های آنها این چنین مواردی را نشان داد، به ما خبر بدهند که این نشان می‌دهد آنها به چنین مواردی دست پیدا نکرده‌اند.

این در حالی است که پیش از این، در روز نخست مردادماه امسال رییس سازمان استاندارد به یکی از رسانه‌های داخلی اعلام کرده بود ورود برنج‌های آلوده از ابتدای مردادماه ممنوع خواهد شد، اما چند روز بعد معاون وزیر بازرگانی این موضوع را تایید نکرد و گفت که هنوز چیزی در این مورد به آنها ابلاغ نشده است.

از سوی دیگر به گفته وزیر بازرگانی، با ابلاغ قانون بهره‌وری کشاورزی، تمام اختیارات واردات برنج به وزارت جهاد کشاورزی داده شده که براساس معیارهای آنها وزارت بازرگانی ثبت سفارش خواهد کرد، اما گویی هنوز وزارت جهاد کشاورزی این کارش را به صورت رسمی شروع نکرده و باید منتظر ماند و دید که این وزارتخانه چه موضعی در مورد برنج‌های هندی مظنون به آلودگی در پیش خواهد گرفت.

و اما دولت آلمان با اعلام آلودگی برنج باسماتی هند به مواد سمی، این محصول را از فروشگاه‌های خود جمع‌آوری و واردات آن را متوقف کرد.

روزنامه هندی فایننشال اکسپرس اعلام کرد: این اقدام پس از آن انجام شده است که گزارش‌هایی در مورد آلودگی شدید این برنج به مواد سمی منتشر شد. گفته می‌شود این مواد سموم دفع آفاتی هستند که در مزارع برنج مورد استفاده قرار گرفته‌اند و روی برنج باسماتی باقی مانده‌اند.

بر اساس این گزارش، در ماه خرداد آزمایشگاهی در هامبورگ آلمان اعلام کرد: برنج باسماتی معطر هند دارای مقادیر زیاد سم کاربندزایم و ایزوپروتیولان است که به عنوان آفتکش مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در نتیجه این گزارش، صادرات ۲۰ هزار تن برنج باسماتی معطر به ارزش ۳۱۰ میلیون دلار به آلمان طی ماه‌های اخیر متوقف شده است.

چه وزارتخانه‌هایی بیشتر ثبت سفارش می‌کنند؟

وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، جهاد کشاورزی، صنایع و معادن و سازمان حفاظت محیط زیست به ترتیب بیشترین گواهی‌های قانونی واردات کالا را جهت ثبت سفارش به وزارت بازرگانی ارائه می‌دهند.

به گفته معاون کل سازمان توسعه تجارت ایران بیش از ۱۳۲۵ نوع کالا نظیر تجهیزات پزشکی، مواد خوراکی و آشامیدنی، محصولات دارویی و ... توسط این وزارتخانه‌ها برای ثبت سفارش اعلام می‌شود.

به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه تجارت ایران، حمید صافدل خاطرنشان کرد: ثبت سفارش واردات مهم‌ترین عامل بروز برخی سوءبرداشت‌های کنونی مبنی بر «متولی واردات بودن وزارت بازرگانی» است؛ در حالی که در واقع ثبت سفارش واردات هیچ جایگاهی در فرآیند واردات نداشته و صرفاً عملیات اداری برای ثبت آمار محسوب می‌شود.

صافدل تصریح کرد: در زمان حاضر هیچ کشوری ثبت سفارش برای واردات را در وزارت بازرگانی اجرا نمی‌کند؛ بنابراین ضروری است «مدیریت واردات» در قالب تقسیم کار ملی دنبال شود. وی با بیان اینکه تغییرات تعرفه‌ای کمیسیون ماده یک با هدف حمایت همزمان از تولیدات داخلی و حقوق مصرف‌کننده اعمال می‌شود، افزود: امسال و سال گذشته بیشترین تغییرات تعرفه‌ای را در کمیسیون مذکور شاهد بوده‌ایم. به طوری که غالب این تغییرات منجر به افزایش تعرفه‌های واردات شده است.

کارنامه صادرکنندگان عضو اتاق تهران در مردادماه

رشد ۳۵ درصدی به‌رغم تحریم

در حالی که در ماه گذشته وزنه تحریم‌های جهانی و اروپایی سنگین‌تر شد، ارزش گواهی‌های مبدا صادر شده در اتاق تهران با ۳۵ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ۵۰۰ میلیون و ۶۰۲ هزار دلار رسید. همچنین وزن خالص گواهی‌های مبدا صادر شده با ۴۰ درصد افزایش در مقایسه با مدت مشابه پارسال از یک میلیون و ۶۴۰ هزار تن گذشت.

گزارش واحد گواهی مبدا اتاق بازرگانی تهران نشان می‌دهد که تعداد گواهی‌های صادرشده از این واحد در ماه گذشته دو هزار و ۱۸۴ مورد بوده که در مقایسه با مرداد ماه سال قبل حدود یک درصد افزایش داشته است. با ارائه

این گزارش مشخص شده که تعداد گواهی‌های مبدا صادر شده به ۱۱ هزار و ۵۵۳ گواهی رسیده که نسبت به آمار صدور ۹ هزار و ۵۵۸ گواهی مبدا در پنج ماه اول سال ۸۸ بیش از ۲۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

بر اساس این گزارش، مقایسه آمار پنج ماهه صدور گواهی مبدا نشان می‌دهد که ارزش دلاری و وزن خالص گواهی‌های مبدا صادر شده در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران به ترتیب با ۶۳ و ۹۳ درصد نسبت به مدت زمان مشابه سال گذشته به دو میلیارد و ۷۱۴ میلیون و ۹۴۶ هزار دلار و هشت میلیون و ۵۹۴ هزار تن رسیده است. شرکت بازرگانی پتروشیمی همانند همیشه با فاصله زیاد در صدر صادرکنندگان عضو اتاق تهران قرار دارد. شرکت ملی صنایع مس ایران با صادراتی به ارزش بیش از ۵۳/۸ میلیون دلار در رتبه دوم و شرکت سنگ آهن گل گهر با ۱۸/۲ میلیون دلار نیز در رتبه سوم لیست صادرکنندگان کالا در مرداد ماه قرار دارند. بین‌الملل اسم ایران و فرسا شیمی نیز در رتبه‌های بعدی صادرکنندگان ایستاده‌اند.

بر اساس گزارش منتشر شده توسط اتاق بازرگانی تهران در مردادماه سال جاری کشور چین بیشترین کالای ایرانی را از نظر ارزش صادراتی جذب کرده است؛ در حالی که کشور هندوستان در همین ماه با واردات ۷۴/۴ میلیون دلار و امارات متحده عربی نیز با ۶۷/۳ میلیون دلار مقاصد بعدی کالاهای ایرانی بوده‌اند. تجار و بازرگانان تهرانی پس از این سه کشور بیشترین کالاهای خود را به ترتیب به ایتالیا، ترکیه، عراق، هلند، تایوان، آمریکا و سوریه صادر کرده‌اند.

با گشایش دفتر ثبت نام امضای الکترونیکی صورت گرفت

پایان ارسال اطلاعات کاغذی در بورس

افتتاح دفتر ثبت نام گواهی الکترونیک با حضور وزیر اقتصاد، وزیر بازرگانی و رئیس سازمان بورس در محل این سازمان برگزار شد.

به گزارش «ایران» این تفاهمنامه که در محل سازمان بورس و اوراق بهادار و با حضور رئیس و اعضای هیأت مدیره سازمان بورس، اعضای شورای عالی بورس و معاونان وزارت بازرگانی برگزار شد به امضای مدیرعامل شرکت مدیریت فناوری بورس تهران و قائم مقام مرکز توسعه تجارت الکترونیک رسید.

پس از امضای این تفاهمنامه، وزیر امور اقتصادی و دارایی به صورت نمادین با دریافت توکن، فعالیت دفتر ثبت نام گواهی الکترونیک در بازار سرمایه را بطور رسمی آغاز کرد.

شمس‌الدین حسینی در مراسم افتتاح دفتر ثبت نام گواهی الکترونیک، بازار سرمایه را شایسته تحسین دانست و گفت: باید این بازار را یک بازار پیش‌تاز و دانش بنیان تلقی کرد، زیرا طی چند سال گذشته سازمان بورس با بکارگیری نیروهای جوان و متخصص کارهای بزرگی را رقم زده است.

وزیر اقتصاد به تصویب قانون توسعه ابزارهای مالی در سال گذشته اشاره کرد و افزود: با تصویب این اوراق ابزار صکوک به عنوان یکی از ابزارهای مالی اسلامی به کار گرفته می‌شود که اخیراً در شورای عالی بورس ضوابط تشکیل شرکت‌های واسط برای این ابزار تصویب شد.

وی راه‌اندازی رینگ صادراتی پتروشیمی را در سال گذشته مورد توجه قرار داد و گفت: راه‌اندازی رینگ صادراتی پتروشیمی در جزیره کیش امروز این امکان را می‌دهد که بورس نفت را راه‌اندازی کنیم که رسیدگی به ابعاد لازم برای راه‌اندازی این بورس در شورای عالی بورس مد نظر قرار گرفته است.

وی به راه‌اندازی امضای الکترونیک در بازار سرمایه اشاره کرد و افزود: اطمینان از انجام معامله، انکار نشدن معامله و امنیت از مواردی است که با استفاده از امضا و گواهی الکترونیک صورت می‌گیرد و باعث می‌شود که تبادلات الکترونیک در این بازار توسعه یابد. به گفته حسینی با پیوستن بازار سرمایه به حوزه‌های الکترونیک شاخص‌های اقتصادی افزایش یافته و رتبه ایران ارتقا می‌یابد. وزیر امور اقتصادی و دارایی در ادامه افزایش ارزش بازار سرمایه را مورد توجه قرار داد و تصریح کرد: در حال حاضر ارزش این بازار به ۸۴ هزار میلیارد تومان و بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار رسیده است که این مقدار ۲۰ درصد GNP کشور است. لذا زمانی که از توسعه تجارت الکترونیک در بورس صحبت می‌شود یعنی ۲۰ درصد GNP کشور به صورت بالفعل وارد بورس شده است.

وی ادامه داد: همچنین ۴۰ صنعت بزرگ در بخش‌های مختلف در بازار سرمایه وجود دارند و این بازار یکی از متنوع‌ترین بورس‌های خاورمیانه است به طوری که در تاریخ سوم شهریور ماه ۹ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان معامله در این بازار صورت گرفت.

وی ادامه داد: همچنین در بازار سرمایه ۳۵۰ شرکت حضور داشته و سه میلیون نفر در آن سهامداراند که اگر به این میزان تعداد کارگزاران، نهادهای مالی و حساب‌برسان را محاسبه کنیم یک نقطه عطفی در بازار سرمایه ایجاد می‌شود. علی صالح‌آبادی، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، امضای دیجیتال را برای بازار سرمایه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر دانست و گفت: بنا به این ضرورت بازار سرمایه ناگزیر به استفاده از امضای دیجیتال است.

وی مهم‌ترین دارایی در بازار سرمایه را اطلاعات دانست و افزود: اطلاعات مربوط به شرکت‌ها و نیز اطلاعات مربوط به اوراق بهادار برای سرمایه‌گذاران اهمیت بسیار زیادی دارد. این در حالی است که در گذشته اطلاعات کاغذی با حجم بسیار زیاد از شرکت‌ها دریافت می‌شد که مشکلات زیادی به همراه داشت.

به گفته او با این احساس ضرورت از سال ۸۶ اولین سامانه الکترونیک ناشران تحت عنوان سامانه کدال راه اندازی شد ولی همزمان با ارسال الکترونیکی اطلاعات ارسال کاغذی هم صورت می گرفت و مشکلات کاغذی همچنان ادامه داشت. سخنگوی سازمان بورس ادامه داد: براین اساس سال گذشته و با همکاری وزارت بازرگانی اولین امضای الکترونیک به سامانه شرکت ها داده شد و از ابتدای امسال نیز هیچ کاغذی از شرکت های بورسی دریافت نشد. امضای الکترونیک مبنای عمل قرار گرفت و حجم کاغذ نزدیک به صفر شد.

وی با بیان این که شرکت های بازار اول نیز باید از طریق امضای دیجیتال اطلاعات خود را ارسال کند، خاطرنشان کرد: علاوه بر این ۱۱۰ مؤسسه حسابرسی نیز به صورت الکترونیک اطلاعات خود را دریافت می کنند.

وی با اشاره به افتتاح دفتر ثبت نام گواهی الکترونیک گفت: مرکز RA یا دفتر ثبت نام الکترونیک امروز افتتاح شد که از این دفتر امضای الکترونیک به متقاضیان ارائه می شود.

وی یادآور شد: با توافقاتی که با وزارت بازرگانی صورت گرفته قرار شده است امضای مرکز میانی صدور گواهی الکترونیک نیز طی دوره زمانی مشخص دنبال شود تا در آینده نزدیک راه اندازی و کل بازار سرمایه پوشش داده شود.

در همین خصوص معاون توسعه فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی وزارت بازرگانی گفت: متأسفانه کشور ما از لحاظ تجارت الکترونیک رشد خوبی نداشته، اما امضای دیجیتال می تواند به عنوان گامی بلند به رشد و توسعه تجارت الکترونیک کمک کند.

محمدصادق مفتاح با اشاره به این که گام بلندی برای اصلاح جایگاه ایران در تجارت الکترونیک برداشته شده است، گفت: در این راستا بحث بازار سرمایه مورد توجه بود که مقدمات امضای الکترونیک انجام شد و این امر می تواند تجارت الکترونیک را تسهیل کرده و حلقه آخری باشد که به سرانجام برسد تا ظرف دو یا سه ماه آینده شاهد توسعه تجارت الکترونیک در بستر بورس باشیم. وی تصریح کرد: دورنمای وزارت بازرگانی حرکت به سمت اصلاح نظام خرید تضمینی بر مبنای بورس و امضای الکترونیک است.

مفتاح افزود: به علاوه به منظور راه اندازی «موبایل بیزینس» هم در حال مذاکره با اپراتور سوم هستیم تا در صورت امکان، خرید تضمینی را در نظام حمایت از محصولات کشاورزی به تضمین قیمت تبدیل کنیم.

تحلیل هفته‌نامه اکونومیست از افق وضعیت بیکاری در ایالات متحده

بیکاران آمریکایی قربانی اختلاف نظرهای دموکرات‌ها و جمهوریخواهان

یک سال پیش در ابتدای نیمه دوم سال ۲۰۰۹ اقتصاد ایالات متحده از رکود خارج شد اما مشکل بیکاری در این کشور همچنان وجود دارد. نرخ رسمی بیکاری اکنون ۹.۵ درصد است اما اگر صدها هزار بیکار دست از جست‌وجو برای یافتن شغل نکشیده بودند قطعا این رقم بسیار بالاتر بود زیرا در محاسبه نرخ بیکاری، بیکارهایی مورد توجه قرار می‌گیرند که در پی یافتن شغل هستند اما هنوز کار پیدا نکرده‌اند. طبق آمارهای منتشر شده از سوی وزارت کار آمریکا، ۴۵ درصد از بیکارهای این کشور بیش از شش ماه است که جست‌وجو می‌کنند اما شغلی نیافته‌اند و این میزان بالاترین حد از دهه ۱۹۳۰ است. از سوی دیگر، اگر وضعیت بیکاری در ایالات متحده را بر مبنای تقاضاهای اخیر برای بیمه بیکاری تخمین بزنیم به این نتیجه می‌رسیم که طی هفته‌های آینده وضعیت به جای آنکه بهتر شود، بدتر خواهد شد.

اما چرا نرخ بیکاری همچنان بالاست؟ دیدگاه اکثر اقتصاددان‌ها و سیاست‌گذاران در این باره این است که نرخ بیکاری نماد غم انگیز ضعف اقتصاد ایالات متحده است.

نرخ بیکاری از آن جهت بالاست که رکود اقتصادی اخیر به شدت عمیق و روند بهبود شرایط بسیار کند و شکننده بوده است و رشد تقاضا در نهایت مشکل را حل خواهد کرد اما مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف این است که آیا سیاست‌گذاران باید از طریق اختصاص منابع مالی جدید در قالب طرح تحرک اقتصادی، روند رشد تقاضا را سرعت ببخشند یا نه. در کنگره آمریکا، جمهوریخواهان مدعی هستند تداوم نرخ بالای بیکاری نشان می‌دهد طرح تحرک اقتصادی سال گذشته بی‌نتیجه بوده و دموکرات‌ها معتقدند اجرا نشدن طرح جدید تحرک اقتصادی باعث بالا باقی ماندن نرخ بیکاری شده است. تمرکز بر موضوع طرح تحرک اقتصادی چندان غیرمنطقی نیست زیرا اقتصاد آمریکا در حال حاضر بسیار پایین‌تر از پتانسیل خود در حال فعالیت است و تردیدی وجود ندارد که بیکاری نتیجه مستقیم همین امر است اما نرخ بیکاری به دلایل دیگر نیز بالاست، دلایلی که عمدتا در بحث‌های کنونی نادیده گرفته شده است. به سبب گستردگی و ماهیت رکود در بخش مسکن و مالی، بازار کار نتوانسته با کارایی لازم و کافی، عرضه و تقاضای نیروی کار را با هم سازگار کند. در حال حاضر مردم آمریکا دچار بدهی شدید هستند و آن دسته که وام مسکن گرفته‌اند یا مجبور شده‌اند خانه خود را به بانک پس دهند یا اکنون بدهی‌شان به بانک بیش از ارزش خانه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند، در این شرایط مصرف اقلام غیرضروری دیگر اولیتی برای آنها ندارد و مصرف پایین به معنای کاهش تولید در کارخانه‌ها و افول استخدام است. از سوی دیگر، تمدید مدت پرداخت مستمری به بیکاران باعث شده بسیاری از بیکاران انگیزه‌ای برای جست‌وجوی کار یا تن دادن به هر کاری

نداشته باشند. کارشناسان بازار کار آمریکا همچنین به این نکته اشاره کرده‌اند که طولانی شدن مدت بیکاری از توانایی‌ها و مهارت‌های افراد بیکار می‌کاهد و شانس آنها را برای یافتن شغل کم می‌کند.

اگر کارایی بازار کار آمریکا کمتر بود، نرخ ساختاری یا طبیعی بیکاری بالاتر می‌بود. صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده که اگر کارایی پایین‌تر بود، نرخ بیکاری در آمریکا حدود شش درصد بالاتر از حد کنونی می‌شد. بدین ترتیب حدود ۳۰ درصد از رشد نرخ بیکاری در آمریکا ربطی به دوره‌های تجاری ندارد و رشد تقاضا نمی‌تواند آن را از بین ببرد. کارشناسان معتقدند بحث درباره طرح جدید تحرک اقتصادی ضروری است اما کافی نیست. حل مشکل نرخ بالا و پایای بیکاری در ایالات متحده به رویکردی فراگیرتر نیازمند است. اما این سوال مطرح است که این استراتژی فراگیرتر باید شامل چه مولفه‌هایی باشد؟ بخش اصلی دانش اقتصاددان‌ها درباره معضل بیکاری ساختاری حاصل مطالعات آنها درباره وضعیت اشتغال در اروپاست. در این قاره میزان بالای مستمری بیکاری و قوانین سخت‌گیرانه کار باعث کاهش کارایی بازار کار شد. تجربه اروپا در حوزه بیکاری به ایالات متحده می‌آموزد چه اقداماتی را نباید انجام دهد. برای مثال بستن دست‌وپای کارفرما در اخراج کارکنان یا تمدید بیش از اندازه دوره دریافت مستمری بیکاری از جمله این اقدامات محسوب می‌شود. تهیه فهرست اقداماتی که باید انجام شود تا نرخ بیکاری در آمریکا با سرعت بالاتری کاهش یابد چندان آسان نیست اما در حال حاضر دو اقدام ضروری وجود دارد که باید انجام شود، نخستین اقدام، کمک به گیرندگان وام مسکن برای تقسیط مجدد وام‌های خود است. برای بسیاری از خانوارهای آمریکایی، بدهکاری به بانک بر سر وام مسکن، توان مصرف را از میان برده است. اصلاح قوانین ورشکستگی نیز در این حوزه موثر است و به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد با کاستن از بدهی خانوارهایی که وام مسکن گرفته‌اند، توان مالی آنها را افزایش دهند. اقدام دوم اجرای طرح‌هایی برای آموزش نیروی کار و نیز تشویق بیکاران ناامید به جست‌وجو برای یافتن شغل است. این امر لزوماً به معنای اختصاص بودجه بیشتر نیست. دولت باید ترتیبی دهد طرح‌های کنونی هماهنگ‌تر و موثرتر اجرا شوند اما نباید فراموش کنیم که سرعت بهبود شرایط اقتصادی همچنان مهم‌ترین عامل موثر بر نرخ بیکاری است.

رئیس هیات عامل ایدرو:

خودروسازان به فکر پلت فرم جدید باشند

رئیس هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران روز گذشته برای حضور در نخستین نشست خبری خود پس از گذشت ۹ ماه از انتصابش در ایدرو، تنها نیامد، چنانکه معاون گسترش پروژه‌های صنعتی، قائم مقام سازمان گسترش، معاون پروژه‌های نوسازی، معاون توسعه صنایع پیشرفته، معاون منابع انسانی و پشتیبانی، مدیر امور اجرایی طرح‌های صنعتی و مدیر مطالعات و برنامه‌ریزی سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران نیز سید مجید هدایت را همراهی کردند. هدایت با این کار نشان داد علاقه‌ای به متکلم وحده بودن ندارد و مایل است تا خبرنگاران اخبار مربوط به هر حوزه را از مسؤول مستقیم آن بخش دریافت کنند. البته این روش موجب شد تا نشست خبری نزدیک به ۳ ساعت طول بکشد که اگر مسؤولان روابط عمومی ایدرو در این فاصله ۹ ماهه اقدام به برگزاری نشست‌های خبری مشابهی کرده بودند نیازی نبود تا هدایت همه معاونان را برای پاسخگویی بیاورد.

ایدرو فقط سهامدار نیست

اگرچه سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به طور تقریبی در همه پروژه‌های تولیدی و عمرانی کشور دخیل است اما علاقه‌مند است تا نقش پررنگ خود را در صنعت خودروسازی حفظ کند و بر این اساس همچنان خود را سیاستگذار، ناظر و پاسخگو در این حوزه می‌داند. معاون وزیر صنایع با بیان اینکه خصوصی سازی منافاتی با حمایت ندارد، گفت: اینکه ایدرو سهامدار است یا نه مهم نیست بلکه توسعه صنعت و حفظ منافع ملی مهم است. او با تصریح اینکه ۲ شرکت ایران خودرو و پارس خودرو درباره پلت فرم تندر ۹۰ سرمایه گذاری کرده‌اند، افزود: مدیریت زنجیره تامین قطعات این خودرو در داخل بر عهده طرف خارجی بود که مشکلاتی ایجاد شد و در نهایت نتوانستند قیمت را کنترل کنند اما خودرویی که باید تیراژ تولید آن به ۶۰۰ هزار می‌رسید، تاکنون حدود ۴۰ هزار دستگاه تولید کرده پس تامین قطعه این تعداد هم کار مهمی نیست. هدایت ادامه داد: از طریق وزارت صنایع و معادن سطوح تمرکز برای تصمیم‌گیری جهت حمایت ما با مشارکت معقول و بردبرد صورت گرفته است.

تولید خودروی ۹ میلیون تومانی

او درباره تولید خودروی ارزان قیمت به عنوان یکی از برنامه‌های وزارت صنایع و معادن در دوره جدید، اظهار داشت: خودروی ارزان قیمت با رعایت تمام استانداردهای بین‌المللی باید زیر ۹ میلیون تومان عرضه شود که در این باره ایران خودرو یک خودروی زیر ۹ میلیون تومان و یک خودروی زیر ۱۳ میلیون تومان مصوب کرده تا با بدنه و طراحی داخلی عرضه شود. هدایت با اشاره به جلسه ایدرو با سایپا اذعان داشت: تاکنون ۲ جلسه مقدماتی با سایپا

برای توسعه محصولات برگزار شده و این شرکت ۱۷ محصول جدید ارائه کرده که باید در سال‌های آینده برای تولید انتخاب شوند. رئیس هیات عامل ایدرو معتقد است تا مدت محدودی می‌توان مدل‌های داخلی خودرو را تولید کرد و نیاز است تا ۳، ۴ خودرو و پلت‌فرم کار خود را برای تولید آغاز کنند. او با بیان اینکه براساس آیین‌نامه کیفیت خودرو، خودروسازان ملزم هستند تا پلت‌فرم‌های جدید را به تولید برسانند، افزود: ما آماده‌ایم و از اینجا هم فراخوان عمومی می‌دهیم به بخش خصوصی تا به کمک ایدرو و خودروسازان بیاید و در طراحی و تولید پلت‌فرم‌های جدید مشارکت کند.

زرنگ بودیم

قائم‌مقام سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران معتقد است ایدرو در واگذاری‌ها زرنگ بوده و توانسته تاکنون ۲ هزار و ۲۷۵ میلیارد تومان واگذاری داشته باشد. البته یادآوری این نکته لازم است که ۲ هزار میلیارد تومان از این حجم واگذاری متعلق به خودروسازهاست رحیم اسماعیلی دانا ادامه داد: ایدرو در نظر دارد تا حجم سرمایه‌گذاری‌های جدید را به ۳ هزار میلیارد تومان برساند لذا اجازه انتشار ۵۰۰ میلیون یورو اوراق مشارکت را دریافت کرده است. اسماعیلی‌دانا افزود: با توجه به اینکه در سال جاری حق استفاده از منابع دولتی را دریافت کرده‌ایم از ۲ محل یکی ۱۲۰ میلیارد تومان و دیگری ۱۶۵ میلیارد تومان اعتبار جذب خواهیم کرد. او اعتبار مورد نیاز برای بخش‌های ساختمانی و صنایع نوین را ۳۱۸ هزار میلیارد تومان برشمرد و گفت: ۳۲ شرکت ایدرو توانسته‌اند ۴۹۷ میلیون دلار صادرات داشته باشند.

جست‌وجوی ایده‌ها با چراغ‌قوه

معاون توسعه صنایع پیشرفته ایدرو در ادامه این نشست با بیان اینکه هم‌اکنون با ۴۶ مرکز دانشگاهی قرارداد بسته‌ایم و در این راستا ۵۳۹ طرح را نیز اجرا کرده‌ایم، گردش مالی این تعداد طرح را ۵۱ میلیارد تومان برشمرد. رمضانعلی صادق‌زاده با اشاره به بهره‌برداری از ۲ طرح مهم کاتالیست و دریچه‌های قلبی و عروقی، از تولید سومین محصول ایمپلنت با عنوان «تاندون لیگامون» خبر داد. صادق‌زاده حجم سرمایه‌گذاری سال گذشته در صنایع پیشرفته و های‌تک را ۲۵۰ میلیارد تومان عنوان کرد که با مشارکت بخش خصوصی این رقم در سال جاری به ۳۵۰ میلیارد تومان خواهد رسید. اکبر حسینی‌پور، مدیر امور اجرای این طرح‌های صنعتی ایدرو نیز در ادامه و با بیان اینکه رویکرد سازمان مذکور مشارکت بخش خصوصی در اجرای پروژه‌هاست، اظهار داشت: هم‌اکنون ایدرو ۱۸ پروژه با اعتبار ۱۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد ریال در مناطق محروم کشور در دست دارد که اشتغالزایی حاصل از این طرح‌ها بالغ بر ۵ هزار و ۲۰۰ شغل خواهد بود. او درباره پروژه‌های نوین ساختمانی و صنعتی‌سازی با بیان اینکه شرکت «مپسا» حدود ۱۸ شرکت را تحت پوشش خود دارد، گفت: حجم سرمایه‌گذاری پروژه‌های صنعتی‌سازی ساختمان بالغ بر ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال است.

نوبت به مدیر مطالعات و برنامه‌ریزی که رسید، گفت: سخن من از جنس آینده است. صباغی با تصریح اینکه اصل ۴۴ قانون اساسی ایدرو را به عنوان سازمانی توسعه‌ای معرفی کرده که باید در مناطق کمتر توسعه‌یافته و در صنایع پیشرفته سرمایه‌گذاری کند، اظهار داشت: تاکنون برای صنعت خودرو ۳ سند، برای صنعت ساختمان نقشه راه و برای صنایع ریلی و دریایی پیش‌نویس‌های اولیه را تهیه کرده است.

حسینی در جمع خبرنگاران:

مبلغ یارانه را می‌دانم اما نمی‌گویم!

وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه برای اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها در کشور به کار "ژورنالیستی" نیاز نداریم، گفت: هم اکنون نمی‌توانم مبلغ و حتی کف و سقف یارانه نقدی را با وجود اینکه مبلغ آن را می‌دانم، اعلام کنم زیرا به مصلحت نیست.

به گزارش مهر، سید شمس‌الدین حسینی امروز دوشنبه در حاشیه مراسم افتتاح دفتر ثبت نام گواهی الکترونیکی در بازار سرمایه در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشهای متعدد در مورد مبلغ یارانه های نقدی گفت: هر زمان که این مبلغ وارد حسابهای افراد شود، رقمها نیز مشخص خواهد شد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به سناریوهای مختلفی که در راستای اجرای هدفمندی یارانه ها تدوین شده است، گفت: هم اکنون نمی‌توانم مبلغ و حتی کف و سقف یارانه های نقدی را با وجود اینکه مبلغ آن را می‌دانم، اعلام کنم زیرا به مصلحت نیست.

وی خطاب به خبرنگاران گفت: به جای اینکه سئوالی را مبنی بر اعلام مبلغ یارانه های نقدی چندین بار از من پرسید در اجرای قانون هدفمندی یارانه ها به ما کمک کنید، زیرا ما امروز نیاز به کار ژورنالیستی در راستای هدفمند کردن یارانه ها نداریم.

حسینی هدف از اجرای این طرح را کمک به طبقات ضعیف و تحقق عدالت عنوان و بیان کرد: افرادی که دارای استطاعت مالی هستند و می‌توانند زندگی خود را پس از اصلاح قیمتها همچون زمان حال بگذرانند از دریافت یارانه نقدی انصراف دهند؛ همان گونه که من نیز انصراف خود را اعلام کردم و بسیاری از افراد دیگر نیز می‌توانند از دریافت یارانه نقدی انصراف دهند.

وی خاطر نشان کرد: در روز موعود و با دریافت مجوز کارگروه تمام سناریوهای مربوط به هدفمندی یارانه ها را با تمام جزئیات اعلام خواهم کرد ولی تا قبل از آن زمان چنین سئوالاتی را از من نپرسید گرچه پاسخ آن را می دانم اما به خاطر مصلحت کشور نباید اعلام کنم.

وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه با اصلاح قیمتها، قیمت بنزین نیز افزایش خواهد یافت، مبلغ آن را اعلام نکرد.

معامله ایران خودرو

وی در مورد نتایج بررسی معامله ایران خودرو در شورای عالی بورس و ابطال یا عدم ابطال آن گفت: این موضوع ربطی به شورای عالی بورس ندارد، زیرا این شورا در مقام سیاستگذاری است و مقررات را تعیین می کند و در اختیار شرکت بورس قرار می دهد، این شورا به هیچ وجه در معاملات ورود پیدا نمی کند.

حسینی، مسئول ابطال یا عدم ابطال این معامله را شرکت بورس دانست و گفت: این شرکت فعال مایشاع نیست و در چارچوب سیاستهای مصوب شورای عالی بورس عمل می کند. این شورا نیز برای هر معامله ای یک سیاست جدید اتخاذ نمی کند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی ادامه داد: شرکت بورس اعلام کرده است که اسناد مربوط به قطعی شدن معامله به موقع تحویل این شرکت نشده است. اگر این شرکت تشخیص داده که معامله طبق ضوابط انجام نشده است، در چارچوب ضوابط این اختیار را دارد که معامله را باطل اعلام کند.

وی در پاسخ به این سؤال که پس معامله ایران خودرو باطل است؟ گفت: اگر شما در سر جلسه امتحان حاضر نشوید و از معلم پرسید که در امتحان قبول می شوم یا خیر، پاسخ چیست؟

امضای دیجیتال

حسینی یکی از تکالیف دولت در برنامه چهارم را توسعه کسب و کار الکترونیکی عنوان و بیان کرد: یکی از پیش نیازهای این امر به کارگیری ابزارهایی همچون امضای الکترونیکی است که این امکان در بازار سرمایه کشور ایجاد شد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به راه اندازی تالارهای بورس در استانهای مختلف کشور گفت: با این وجود باید شرایطی را فراهم کنیم که مردم از تمام نقاط کشور به راحتی با بازار سرمایه کشور در ارتباط باشند و این ارتباط فقط مربوط به تالارها نباشد. در همین راستا فضای دیجیتال یا مجازی این امکان را فراهم می کند که مردم با استفاده از اینترنت با این بازار در ارتباط باشند.

وی با بیان اینکه استفاده از امضای الکترونیکی از تمام ابزارهای الکترونیکی بازار سرمایه ساده تر است، به سهامداران توصیه کرد که از این امضا استفاده نمایند.

چشم انداز بازار سرمایه

حسینی در مورد چشم انداز بازار سرمایه ایران گفت: این بازار دارای ظرفیتهای بسیاری است که هنوز به بالفعل در نیامده است. امروز شاخص بورس به حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان رسیده اما همه توانمندیهای بازار سرمایه در این شاخص قابل مشاهده نیست زیرا تحت تاثیر نوسانات قرار می گیرد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی شاخص حجم معاملات بازار سرمایه کشور را بالا ارزیابی کرد و گفت: نقدشوندگی بازار افزایش یافته به نحوی که طی ۱۰۵ روز کاری گذشته بالغ بر ۹ هزار و ۵۶۰ میلیارد تومان در بازار سهام و ۴ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان در بورس کالا معامله انجام شده است.

وی ادامه داد: در عین حال پس از سالها شرایط جوی کشور مطلوب شده و این امر باعث رشد تولید گندم و سایر محصولات کشاورزی شده است که پیش بینی می شود با این شرایط رشد منفی بخش کشاورزی در اقتصاد ایران رخت بربندد.

حسینی با اشاره به رکود بخش نفت در نیمه دوم سال ۸۷، گفت: هم اکنون بازار نفت پررونق شده، اگر این عوامل را در کنار سایر پیشرفتهای اقتصادی کشور همچون صادرات غیر نفتی و ... در نظر بگیریم ملاحظه می کنیم که بازار سرمایه کشور هنوز هم جای رشد دارد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی خطاب به سهامداران خرد گفت: در انتخاب و خرید سهام دقت کنند زیرا بازار سرمایه، بازار پر ریسکی است و انتخاب سهام مناسب، اخذ مشورت های فنی و معامله صحیح قطعا بازدهی سهام را تضمین می کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه راه اندازی دفاتر الکترونیکی در سایر زیرمجموعه های وزارت اقتصاد همچون سازمان امور مالیاتی نیز در دستور کار قرار دارد، گفت: امسال ۱۵۰ هزار اظهارنامه الکترونیکی به سازمان امور مالیاتی کشور تسلیم شد.

حسینی افزود: این گونه امکانات در بسیاری از عملیات بانکی و بیمه ای صورت گرفته است. استفاده از امضای دیجیتال و تشکیل دفاتر برای صدور گواهی های امضا سطح کار را بالا می برد و در عین حال اعتماد و اطمینان را نیز افزایش می یابد.

اتاق تهران اعلام کرد:

آمریکا نهمین خریدار بزرگ کالاهای ایرانی در مردادماه

اتاق بازرگانی تهران اعلام کرد: در مرداد ماه امسال چین بیشترین کالای ایرانی را از نظر ارزش جذب کرد، ضمن اینکه هند، امارات، ایتالیا، ترکیه، عراق، هلند، تایوان، آمریکا و سوریه در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

به گزارش خبرگزاری مهر، اتاق بازرگانی صنایع و معادن تهران در گزارشی اعلام کرد: در مرداد ماه سال جاری، سنگ آهن، خاکستر پیریت بیشترین ارزش دلاری را در بین کالاهای صادراتی کشور به دست آورده است.

در مرداد ماه سال جاری خاکستر پیریت به همراه کنسانتره سنگ آهن در صدر ۴۰۹ قلم کالای صادراتی از نظر ارزش دلاری قرار گرفتند و کشور چین نیز به عنوان بزرگترین خریدار کالاهای ایرانی معرفی شد.

در ماه گذشته سنگ کنسانتره آهن و خاکستر پیریت در بین ۴۰۹ کالای صادراتی با ارزشی معادل ۵۴ میلیون و ۳۶۲ هزار و ۳۳ دلار بالاترین ارزش دلاری را داشته است. در ماه مشابه سال گذشته سنگ کنسانتره آهن به تنهایی در این جایگاه قرار داشت اما ارزش صادراتی آن ۳۰ میلیون و ۳۳۹ هزار و ۶۱۹ دلار بود، مقایسه این دو عدد نشان می‌دهد که ارزش صادراتی کالای اول این رتبه بندی در حدود ۸۰ درصد افزایش یافته است.

کشور چین نیز از لحاظ ارزش دلاری بیشترین کالای ایرانی را در بین سایر کشورها جذب کرده است. چین در ماه گذشته از میان ۹۶ کشور خارجی که خریدار کالاهای ایرانی بوده‌اند با خرید ۱۴۴ میلیون و ۲۴۴ هزار و ۱۸ دلار در صدر ایستاده است. کشور چین در ماه مشابه سال قبل نیز بزرگترین خریدار کالاهای ایرانی در بین ۹۴ کشور خریدار بود اما میزان خریدش ۷۶ میلیون و ۶۲۶ هزار و ۷۸۶ دلار بود.

مقایسه این دو رقم نشان می‌دهد صادرات کالای ایرانی در طول یک سال به این کشور بیش از ۸۸ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در مرداد ماه سال جاری گمرک شهید رجایی باز هم در صدر گمرکات خروجی کالا از کشور از نظر ارزش دلاری صادرات کالا قرار گرفت.

در مردادماه سال ۸۹ از گمرک شهید رجایی ۲۰۵ میلیون و ۳۴۵ هزار و ۵۹۳ دلار کالا صادر شده است در حالی که در مرداد سال ۸۸ از همین گمرک که باز هم در صدر این رتبه بندی قرار داشت صادرات کالا ارزشی معادل ۱۳۳ میلیون و ۵۶۶ هزار و ۷۶۵ دلار در صدر قرار داشت.

مقایسه این دو آمار نشان می‌دهد که ارزش کالاهای صادراتی از این گمرک در مرداد سال جاری نسبت به سال گذشته بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. گزارش واحد گواهی مبدا اتاق بازرگانی تهران نشان می‌دهد که تعداد گواهی‌های صادره از این واحد در ماه گذشته دو هزار و ۱۸۴ گواهی بوده که در مقایسه با مرداد ماه سال قبل حدود یک درصد افزایش صدور داشته است.

با ارائه این گزارش مشخص شده که در پنج ماه ابتدای سال جاری تعداد گواهی‌های مبدا صادر شده به ۱۱ هزار و ۵۵۳ گواهی رسیده که نسبت به آمار صدور نه هزار و ۵۵۸ گواهی مبدا در پنج ماه اول سال ۸۸ بیش از ۲۱ درصد افزایش نشان می‌دهد.

علاوه بر افزایش تعداد گواهی مبدا صادر شد در اتاق بازرگانی تهران ارزش دلاری و وزن خالص آن نیز با افزایش قابل توجهی مواجه شده است. در مرداد ماه سال ۸۹ ارزش گواهی‌های مبدا صادر شده با ۳۵ درصد افزایش نسبت به همین ماه در سال گذشته به ۵۰۰ میلیون و ۶۰۲ هزار دلار رسیده است.

این گزارش می‌افزاید: پس از سنگ کنسانتره آهن و خاکستر پیریت که در صدر جدول کالاهای صادراتی از نظر ارزش دلاری قرار دارد، کاتد و قطعات مس تصفیه شده به ارزش ۵۳ میلیون و ۸۳۶ هزار و ۹۲۸ دلار در رده دوم قرار دارد.

استیرن با ارزش ۵۲/۲ میلیون دلار، متانول با ۲۵/۶ میلیون دلار و فرش و کفپوش پشمی با ۲۴/۹ میلیون دلار در رده های بعدی جدول صادراتی قرار دارند. پس از این کالاها آمونیاک بدون آب، پسته تازه و خشک، پلی اتیلن ترفتالات، فیرنفت و پلی اتیلن با چگالی کمتر از ۰/۹۴ مابقی ده قلم کالای اول صادراتی کشور هستند.

یک مقام ارشد دویی:

تحریم‌های یک جانبه علیه ایران را اجرا نمی‌کنیم

رئیس پلیس دویی با غیرقانونی خواندن تحریم‌های یک جانبه علیه ایران تاکید کرد امارات تحت هیچ شرایطی هیچ تحریم یک جانبه‌ای را علیه ایران اجرا نخواهد کرد.

به گزارش گروه اقتصاد بین الملل فارس به نقل از گلف نیوز رئیس پلیس دویی تحریم‌های یک جانبه آمریکا و اروپا علیه ایران را غیرقانونی خواند.

خلفان تمیم که در جریان یک مراسم در دویی سخن می گفت تاکید کرد دویی و امارات هیچ گونه تحریم یکجانبه علیه همسایه خود را اجرا نخواهد کرد.

وی افزود: «امارات و دویی شدیداً تحریم‌های تحمیل شده توسط سازمان ملل علیه ایران را اجرا خواهند کرد اما به هیچ گونه تحریم یکجانبه علیه کشور همسایه خود اعتنا نخواهند کرد».

وی تاکید کرد: «ما تحریم‌های یک جانبه را غیرقانونی می دانیم. موضع ما مشخص است و دویی تحت هیچ شرایطی هیچ تحریم یک جانبه‌ای را علیه ایران اجرا نخواهد کرد».

رئیس پلیس دویی در ادامه با هدف جذب سرمایه‌های ایرانیان از مقامات اقتصادی این امیرنشین خواست روند تاسیس شرکت‌های ایرانی در دویی را تسهیل کنند.

وی گفت تجار ایرانی مدت هاست که در دویی سرمایه‌گذاری می کنند و در حال حاضر نیاز به توسعه کانال‌های تجاری موجود بین ایران و دویی برای پاسخ‌گویی به تقاضای فزاینده در این زمینه بیش از پیش احساس می شود.

در گفت‌وگو با رئیس اتحادیه صحافان مطرح شد

مدیریت دولتی بانک‌ها مانع کمک به خصوصی‌ها

حامد مجرد: صاحبان صنایع در بخش خصوصی، در این ایام بیش از گذشته نسبت به فضای رکود انتقاد می‌کنند. کمبود نقدینگی در بخش تولید به دلیل سیاست‌های انقباضی بانک‌ها و دامن زدن به رکود صنعت طی دو سال اخیر مشکلات زیادی را برای صنعتگران و البته تولید ملی کشور به وجود آورده است. در این میان اتحادیه صحافان نیز نسبت به رکود در این صنعت و عدم همکاری بانک‌ها با صنعتگران گلایه‌هایی دارد. جلیل غفاری رهبر، رئیس اتحادیه صحافان در گفت‌وگو با تهران‌امروز از دیدگاه دولتی در بانک‌ها انتقاد کرد.

صنعت صحافی ایران از لحاظ تکنولوژی در چه وضعیتی به سر می‌برد و آیا تکنولوژی موجود متناسب با نیازهای بازار داخلی و خارجی پیشرفت داشته است؟ این صنعت با چه مشکلاتی مواجه است؟

صحافی یک صنعت فنی و هنری است که در بخش‌هایی از آن هنر نهفته شده، این صنعت در حال حاضر به دو صورت ماشینی و دستی انجام می‌شود، صحافی‌های پر تیراژ به صورت ماشینی و هنری‌ها با دست انجام می‌گیرد. در بخش صحافی هنری مشکلی نداریم و اشخاص خبره ما با اینکه زیاد نیستند اما از عهده کار بر می‌آیند و در این کار استاد هستند، صحاف‌ها سبک و سلاقی و فن خاص خود را دارند و شاگردانشان هم به خوبی در حال آموختن از آنها هستند. ولی در بخش صنعتی، صحافی با کمبود تکنولوژی دست و پنجه نرم می‌کند و کاری که باید با دستگاه انجام شود بیشتر با دست انجام می‌شود، در ایران هنوز صحافی‌ها به صورت صد درصد اتوماتیک و به تکنولوژی روز مجهز نیستند و تنها در بخش‌های دولتی و شاید تعدادی محدودی از صحافی‌های خصوصی مجهز به تکنولوژی روز شدند. ماشین آلاتی که در حال حاضر در صحافی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد قدیمی است و با اینکه عمر آنها به اتمام رسیده اما به دلیل عدم توانایی برای خرید ماشین آلات و تکنولوژی روز هنوز از آنها کار می‌کشیم. ماشین آلاتی که مطابق تکنولوژی به‌روز می‌شوند همخوانی با درآمد مالی صنف صحاف ندارد و به همین دلیل تنها عده محدودی توان خرید ماشین آلات روز را دارند، در بخش‌های دولتی مثل چاپخانه بانک ملی یا چاپخانه ارشاد یا چاپخانه‌های دولتی که منابع مالی خوبی دارند اینها هم می‌توانند از تکنولوژی روز صحافی بهره‌مند شوند. دغدغه دیگری که صنعت چاپ و صحافی با آن درگیر است مسئله تیراژ کتاب است. ماشین آلات جدیدی که با تکنولوژی

روز همراه هستند برای تیراژ بالا ساخته شدند و قیمت آنها هم نسبت به ماشین آلات قدیمی بالاتر است. اینجا دو مسئله برای صحاف مطرح است؛ یکی تیراژی که دستگاه دارد که هیچ همخوانی با تیراژ کتاب‌ها ندارد، متأسفانه تیراژهای کتاب‌ها بسیار پایین تر از تیراژی است که دستگاه می‌زند از طرفی قیمت ماشین آلات بالاست و این تیراژ پایین از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و ریسک می‌خواهد. از آن طرف نوسازی ماشین آلات صحافی ضروری است چرا که امنیت کار کردن با این دستگاه‌های قدیمی برای کارگران پایین است، توان مالی صحافان ضعیف است و هیچ ارگانی هم مسئولیت کمک به اصناف را به عهده نمی‌گیرد.

منظورتان چه ارگانی است؟

منظور بیشتر بانک هاست. بانک‌ها هیچ کمکی به

تولید کنندگان از جمله صحافان نمی‌کنند تا حداقل با گرفتن وام بتوانند ماشین آلات شان را به روز کنند، متأسفانه این مشکل در کشور به دلیل دولتی بودن اکثر بانک‌هاست، اگر بانک‌ها خصوصی صرف بود، این مشکلات حل می‌شد همانطور که در تمام دنیا بانک‌های خصوصی وام را با بهره چهار درصد به وام گیرنده می‌دهند. در ایران نوسان مدیریت دولتی در بانک‌ها مشکلات زیادی را برای تولید کنندگان ایجاد کرده، بخش‌های خصوصی هم که وجود دارند، خصوصی‌ای نیستند و بیشتر شبه دولتی هستند، اگر واقعا خصوصی بودند باید زیر بهره بانکی دولت کار می‌کردند حتی بعضی از بانک‌های به اصطلاح خصوصی دوبرابر بانک‌های دولتی بهره می‌گیرند در حالی که در کشورهای خارجی بهره چهار درصدی است. برای حل مشکل ماشین آلات صحافی این صنف باید از نظر مالی حمایت شود چرا که در حال حاضر از لحاظ ماشین آلات در سطح مطلوبی نیست و توانایی مالی هم برای نوسازی و رسیدن به تکنولوژی روز را ندارد.

در حال حاضر صنعت چاپ در حوزه ماشین‌آلات، پشتیبانی تخصصی از ماشین‌آلات و در حوزه مواد مصرفی به تولیدات و پشتیبانی خارجی وابسته است چرا با اینکه امکان ورود به تکنولوژی روز دنیا برای صاحبان این صنعت وجود دارد اما رقبتی به این کار در آنها وجود ندارد؟

من بارها یک سوال را از کسانی که حرف از صادرات در صنعت چاپ می‌زنند پرسیده‌ام وقتی بالای ۹۵ درصد صنعت چاپ ما وارداتی است و از ماشین‌آلات گرفته تا مواد مصرفی و اولیه را از خارج از کشور وارد می‌کنیم، پس چگونه می‌توانیم صادرات داشته باشیم؟ شاید در تولید کالاهای دیگر بتوانیم صادر کننده شویم مثلاً در تولید بسته‌بندی ما کارونی اگر بتوانیم چاپ خوبی روی این بسته‌بندی ارائه دهیم. ولی اینکه بخواهیم کار چاپی بگیریم تا زمانی که ما گرفتار معضل واردات هستیم چگونه می‌توانیم صادرات کنیم. البته در این بخش ما نمی‌توانیم صد درصد بگوییم حتماً هر کشوری باید آن تکنولوژی را داشته باشد. خیر در تمام دنیا چنین چیزی نیست. مثلاً در بخش ماشین‌آلات چاپ دو، سه کشور هستند که سرمایه‌گذاری خوبی انجام داده‌اند و کشورهای دیگر ماشین‌آلات

چاپ را از این کشورها وارد می کنند که البته ما نه توان ساخت این ماشین آلات را داریم و نه توان وارد کردن آن را. ولی حداقل در بخش مواد اولیه می توانیم فعالیت داشته باشیم. مثلا در بخش کاغذ و مقوا که هم امکان سرمایه گذاری و هم امکان و توانایی تولید داریم، می توان وارد شد. باز هم به شرطی که دولت کمک کند تا بخش خصوصی فعال شود، فعال شدن بخش خصوصی احتیاج به کمک مالی دارد، احتیاج به کمک دولتی ها در مرزها، در گمرک و مسائل اداری دارد. تولیدکننده و صنعتگر وقتی تلاش می کند و به مشکل بر می خورد و حمایت نمی شود، کار را رها می کند و دنبال کار دیگری می رود. الان به تولیدکنندگان داخلی که می خواهند

به صورت خصوصی فعالیت کنند هیچ کمکی نمی شود و تسهیلاتی به آنها تعلق نمی گیرد و اینها مجبور می شوند تولید را کم کنند چرا که ما حتی مواد اولیه را هم نمی توانیم در داخل تولید کنیم.

تابه حال در این زمینه سرمایه گذاری شده است؟

مقوای پشت توسی الان در داخل تولید می شود، کاغذ روزنامه در داخل تولید می شود، کاغذ تحریر با کیفیت تقریبا پایین تر از اندونزی تولید می شود و لازم است برای تولید مطلوب تر کارخانه های بزرگی داشته باشیم که این کاغذ و مقوا و مرکب که اینجا تولید می شود بتواند با کاغذی که در خارج تولید می شود برابری کند در حال حاضر چون کیفیت تولیدات داخل به خارجی ها نمی رسد خیلی ها مواد اولیه مورد نیازشان را وارد می کنند، ما باید مواد اولیه را با کیفیت بسازیم که تولیدکننده گرایش به وارد کردن مواد اولیه خارجی نداشته باشد. در بخش ماشین آلات هم می توانیم تولید در رده های پایین تر مثل ساخت غلتک ها و موارد دیگر را شروع کنیم تا به مرحله نهایی که ماشین سازی است برسیم، همه اینها مستلزم سرمایه گذاری است، مگر ما در مسئله هسته ای چگونه توانستیم به موفقیت برسیم؟ آیا غیر از این است که با سرمایه گذاری توانستیم به این نقطه برسیم. در مورد صنعت چاپ و ماشین آلات هم همین مسئله صادق است، بدون سرمایه گذاری به هیچ چیز دست پیدا نمی کنیم و هرگاه سرمایه گذاری داشتیم و وقت گذاشتیم آن وقت مطمئن باشید که دستگاه های چاپ را هم در ایران خواهیم ساخت.

برای سرمایه گذاری معتقد هستید که بانک ها باید کمک کنند؟

بله صد درصد، در کل دنیا اینگونه است، یک تولیدکننده ممکن است مغز تولید داشته باشد اما سرمایه نداشته باشد و این بانک ها هستند که سرمایه را در اختیار آنها قرار می دهند اما در ایران متاسفانه بانک های ما بیشتر مزاحم تولیدکننده هستند. وام می دهند اما با سود بالا این یعنی ایجاد مزاحمت. شخص تولیدکننده هیچ اعتباری ندارد و حتما باید برای گرفتن وام وثیقه ملکی چند میلیاردی داشته باشد، بانک می خواهد یک میلیارد وام بدهد دو میلیارد از من وثیقه و صفته امضا شده می خواهد، این چه معنی می دهد؟ در صورتی که در خارج از کشور اعتبار خود شخص مهم است که بانک به آن وام می دهد و به این اکتفا می کند، مثلا جوان ۲۵ ساله ای که می خواهد این کار را شروع کند

و فکرو طرح خوبی هم دارد ولی یک میلیارد سرمایه ندارد چگونه باید این کار را شروع کند؟ این جوان ۲۵ ساله از کجا یک میلیارد یا دو میلیارد سند ملکی برای بانک بیاورد؟ این جوان باید به خاطر طرحی که دارد، حمایت شود.

در این مورد مذاکره‌ای با بانک داشته اید؟

احتیاج به مذاکره نیست، بانک حرف خودش را می‌زند، بانک‌های ما چون دولتی هستند یکسری ضوابط به آنها دیکته می‌شود. تا زمانی که اینگونه است مذاکره‌ها به نتیجه نمی‌رسد. رئیس بانک نمی‌تواند انعطافی از خود داشته باشد چون دستورالعملی را هیأت مدیره بانک به او دیکته کرده که اجرا کند بنابراین نمی‌تواند انعطافی در برابر مشتری داشته باشد، مواردی پیش آمده من با رئیس بانک صحبت کردم و گفتند؛ من فلان مشتری را می‌شناسم و تاییدش هم می‌کنم اما از دست ما کاری بر نمی‌آید.

آیا تحریم‌ها بر واردات مواد اولیه، ماشین آلات و پشتیبانی، تاثیری داشته یا خواهد داشت؟

متأسفانه تحریم‌ها صد در صد بر زندگی و کار مردم تاثیر داشته و دارد و مشکلاتی را در تمام مسائل زندگی مردم ایجاد کرده، در کار خود ما همین الان اگر بخواهیم یک پولی را حواله کنیم و جنسی را از آن طرف بخریم هیچ بانکی قبول نمی‌کند از طرفی تحریم عامل اصلی گرانی است، ما به دلیل تحریم بودن کالای مورد نیازمان را خیلی گران وارد می‌کنیم، شرکت‌های خارجی از تحریم بودن ما سوءاستفاده می‌کنند و تا می‌بینند ما به مشکل برخوردیم و تحریم هم هستیم، فوری قیمت‌ها را بالا می‌برند یا وقتی بخواهیم دستگاهی را از کانادا، آمریکا و... وارد کنیم مجبوریم به دلال‌ها و واسطه‌های کشوری متوسل شویم که جنسی را به دویی یا ترکیه بیاورند تا بتوانیم وارد ایران کنیم و اینگونه هزینه‌ای گزاف را متحمل می‌شویم، تحریم‌ها صد در صد در گرانی و در کمبود مواد اولیه و بالطبع تولید تاثیر دارد و دولت باید چاره‌ای بیندیشد تا هم جلوی کمبود را بگیرد و هم گرانی را کنترل کند.

در حال حاضر به نظر می‌رسد که فعالیت لیتوگرافی‌ها، چاپخانه‌ها و صحافی‌ها که به‌طور زنجیروار به هم مرتبط هستند بارکود محسوسی مواجهند، علت چیست؟

این رکود فقط مختص صحافی و لیتوگرافی و چاپ نیست و کل صنوف ما الان گرفتار این رکود هستند و در سه، چهار سال گذشته که هر سال هم بدتر می‌شود اینگونه بوده است، بعد از آن سونامی اقتصادی که دنیا گرفتارش شد و مشکلات اقتصادی فراگیر شد آنها توانستند این بحران را مدیریت کنند و با کم کردن مشکلات، زندگی عادی‌شان را می‌گذرانند ولی ما روز به روز این مشکل را بیشتر کردیم که این به ساختار اقتصادی مملکت ما برمی‌گردد که باید در آن تغییر و تحولی به وجود آید تا رکودی که گریبان بازار و صنوف را گرفته، حل شود.

شما چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید؟

باید ساختار اقتصادی ما تغییر کند و به پیشنهاد های اقتصاد دانان توجه شود و پیشنهاد و نظرات اصناف هم مورد توجه قرار گیرد، تغییر بعضی از قوانین و ضوابط واردات و صادرات و همچنین تغییر در ساختار بانک ها و تعرفه های گمرکی می تواند به بهتر شدن اوضاع کمک کند، باید به روزی برسیم که درآمد ما با هزینه ای که می کنیم همخوانی داشته باشد در حال حاضر هزینه و حقوقی که یک پرسنل می گیرد با هزینه ای که صرف می کند همخوانی ندارد که این برای تولید ایجاد مشکل می کند، ما باید یک ساختار اقتصادی خوب ترسیم کنیم؛ در حال حاضر هم که با این بحث هدفمند کردن یارانه ها و انجام آن با یکسری مشکلات جدید رو به رو خواهیم شد.

شما این طرح را مثبت ارزیابی می کنید یا منفی؟

در نهایت شاید مثبت باشد اما برای رسیدن به این نهایت با مشکلات زیادی برخورد می کنیم.

روش اجرا را قبول دارید؟

خیر، من به شخصه روش اجرا را قبول ندارم.

آیا در میان جوانان رغبتی به ادامه کار صحافی وجود دارد؟ برای ترغیب نسل جوان به صحافی و آموزش آنها چه اقدامی انجام شده است؟

بخش صحافی چون کار فنی و هنری است احتیاج به تمرین کردن و وقت گذاشتن دارد، چیزی نیست که بشود مثلاً در یک دوره ۱۰ ساعته آن را آموزش داد، تنها می توان یک ذهنیتی را برای جوانان ایجاد کرد، در صحافی کسی که می خواهد واقعا فعال باشد باید پنج، شش سال ریز و بم صحافی را یاد بگیرد، صحاف باید مبتکر باشد و از خود ابتکار عمل به خرج دهد.

متولی صحافی کیست؟

ما در دو بخش فعالیم؛ در یک بخش کاملاً زیر پوشش وزارت بازرگانی هستیم و بخش دیگر مربوط به وزارت ارشاد می شود، ما از وزارت ارشاد مجوز کار می گیریم، اتحادیه زیر نظر وزارت بازرگانی است و متولی ما وزارت ارشاد نیز است ولی پوششی نداریم.

برای رفع مشکلات از دولت چه انتظاری دارید؟

یکی همان انتظار کلی یک شهروند صنفی است که امنیت شغلی داشته باشد، متأسفانه امنیت شغلی ما به دلایل مختلف به خطر افتاده که مهم ترین آن همان ساختار اقتصادی است که حتماً باید با کمک کارشناسان مجرب بررسی شود و موشکافی شود، دغدغه دیگری ما عملکرد بانک است که امیدواریم با تغییر در سازوکار فعلی، بانک ها بتوانند با دادن وام های کم بهره به این صنعت کمک کنند. مشکل دیگر ما تعرفه های گمرکی است که به وزارت بازرگانی بر می گردد و از این وزارتخانه می خواهیم تا آنجا که امکان دارد تعرفه ها را برای تولید کنندگان پایین بیاورد.

پرسش رییس اتاق ایران و چین از دولت:

کالای چینی چرا ارزان تمام می‌شود؟

اسدالله عسگر اولادی: پرسش ما از دولتمان این است که «چرا چین کالاهای خوب خود را هم ارزان تمام می‌کند» و در حال حاضر حتی کالاهای درجه یک چینی هم از کالاهای ما ارزان تر تمام می‌شود. بیایم این موضوع را بررسی کنیم

پرسش رییس اتاق ایران و چین از دولت:

کالای چینی چرا ارزان تمام می‌شود؟

غربی‌ها روابط ما با چین را مسموم می‌کنند

نفیسه آفرین‌زاد- «اخم غربی‌ها»، «لبخند چینی‌ها». این اصطلاحی است که رییس کنفدراسیون صادرات اتاق ایران و رییس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین در مورد روابط سیاسی - اقتصادی کنونی دو کشور بر زبان می‌آورد.

اسداله عسگر اولادی، همواره به‌رغم فراز و نشیب‌هایی که در روابط دو کشور وجود داشته و انتقادهایی که گه‌گاه به گوشه‌های مختلف از این رابطه وارد آمده، به دفاع از مبادلات تجاری با چین پرداخته است. به بهانه جدی شدن بحث دولت در مدیریت واردات و اعلام فهرست ۱۷۰ قلمی کالاهای بی کیفیت وارداتی که نزدیک به ۱۵۰ قلم آن، کالای چینی است، گفت‌وگویی با این فعال ذی‌نفوذ بخش خصوصی انجام دادیم. گفت‌وگویی که در آن، رییس اتاق مشترک ایران و چین، غربی‌ها را به تلاش دائمی برای وارد کردن «سم» به رابطه سیاسی - اقتصادی ایران و چین متهم کرد و از مدیران داخلی خواست که با دامن نزدن به شائبه‌هایی چون «بی کیفیت بودن کالاهای چینی»، این سم را به بدنه این رابطه تزریق نکنند.

یکی از برنامه‌های جدی دولت که اخیراً بحث آن آغاز شده، «مدیریت واردات» است. حال از ۱۷۰ قلم کالای ممنوعه وارداتی که پیش از این از سوی سازمان توسعه تجارت منتشر شد، بیش از ۱۵۰ قلم کالا، کالای چینی هستند. شما به عنوان رییس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین، چه نظری در این رابطه دارید؟

اصولا اینکه مسوولان برای واردات به کشور، برنامه‌ریزی مدیریتی کنند، امری مطلوب است، اما اینکه بخواهند در پیاده سازی این برنامه‌ریزی مدیریتی، میان «کیفیت»های کالاهای وارداتی از «کشورها»، «تبعیض» قائل شوند، «نامطلوب» است.

منظور شما از «تبعیض» قائل شدن در کیفیت کالاهای وارداتی چیست؟

اساسا کیفیت کالاهای وارداتی ما باید بر اساس استاندارد که کشور خودمان تعریف می‌کند و می‌پذیرد، باشد و لاغیر. در این بین، استاندارد کنونی کشور ما در شرایط فعلی بیش از ۸۰۰ قلم کالای وارداتی را پذیرفته است. متنها مشکل بزرگی که در این میان وجود دارد، این است که گاهی ۱۵ تا ۲۰ روز طول می‌کشد که موسسه استاندارد، استاندارد بودن یا نبودن کالایی را اعلام کند؛ حال آن که باید در مبادی ورودی حداکثر ظرف ۴۸ ساعت، استاندارد بودن یا نبودن کالا اعلام شود.

حال در این شرایط نامطلوب که باید وقت ۱۵ تا ۲۰ روزه برای معیارسنجی استاندارد بودن یک کالا صرف شود، هزینه‌های زیادی به بار می‌آید که عمده‌ترین آن، از دست رفتن وقت و هزینه تاجران است.

این موارد در شرایطی است که با نهایت تاسف، سودجویان و کسانی که کالاها را به صورت «غیرمجاز» وارد کشور می‌کنند، در کمین‌گاه واردکننده‌های قانونی قرار می‌گیرند و به خاطر تاخیر زیاد در ترخیص کالاهای گمرگی، کالاهای تاجران قبل از ارائه به گمرک، توسط عوامل غیرمجاز داخل کشور می‌شود.

بنابراین، ساماندهی این شرایط و جلوگیری از ورود کالای غیرمجاز به کشور، اولین اقدامی است که باید توسط مسوولان برای تحقق مدیریت واردات انجام شود تا پس از آن بتوان انتظار داشت که هیچ کالای بی‌کیفیتی در بازار نباشد.

بر این اساس، بحث اصلی شما این است که کیفیت «کالای چینی» زیرسوال نیست، بلکه این روند نظارت استاندارد بر کالاها و ورود کالای غیرمجاز است که این کیفیت را زیرسوال می‌برد؟

دقیقا. در چین هم مثل همه کشورها، کالای با کیفیت خوب، متوسط و ضعیف داریم.

پس چرا عمده کالاهایی که از چین وارد کشور می‌شود، بی‌کیفیت است؟

این صرفا «یک حرف» است که بر زبان‌ها افتاده. واقعیت این گونه نیست. واقعیت این است که هم‌اکنون کالاهایی که از کشورهایی مثل ترکیه و ویتنام وارد کشور می‌شود، کیفیتشان خیلی پست‌تر از کالاهای چینی است.

بنابراین به زعم شما، کیفیت کالاهای چینی که در کف بازار به دست مردم می‌رسد، اصلاً نامطلوب نیست و اعتراضاتی که در این زمینه وجود دارد، صرفاً اتهام است، حال آنکه یکی از مسوولان دولتی چندی پیش اعلام کرد که «کالای چینی از صفر درصد تا صد درصد بنجل است؟»

باید دید چند درصد از کالاها در «دست مردم» قرار می‌گیرد.

ما هم‌اکنون ۴/۵ میلیارد دلار کالای مصرفی چینی وارد کشور می‌کنیم. از این میزان، حجم کالایی که در کف بازار در دست مردم قرار می‌گیرد، سه درصد هم نمی‌شود. یعنی اگر هم‌اکنون شما کیف و کفش، پارچه و لباس، اسباب بازی و ابزار برقی مثل لامپ چینی که کم کیفیت هستند را از بازار جمع کنید، مجموعاً سه درصد از کل کالاهای مصرفی وارداتی چینی به کشور را تشکیل می‌دهد.

این در شرایطی است که اگر حجم کالاهای وارداتی از ترکیه را در نظر بگیریم، حجم کالاهای بی کیفیت وارداتی از آن رقم، بیش از ۱۰ درصد است و به عبارتی بیش از ۱۰ درصد کالاهای وارداتی از ترکیه بی کیفیت هستند. پس چرا در مورد این کشور و کالاهای وارداتی‌اش، «حرف و حدیثی» نیست؟!

پس علت حرف و حدیثی که در مورد کالاهای چینی وجود دارد، چیست؟

به اعتقاد من، بدنامی چینی‌ها کمی «سیاسی» است. ما در برابر «اخم غربی»‌ها، «لبخند چینی»‌ها را پذیرفته‌ایم.

حال در برابر این لبخند، آنها واکنش نشان می‌دهند و نمی‌خواهند که ما از چین کالا وارد کنیم. انعکاس آن هم این می‌شود که «کالای چینی بی کیفیت است».

غربی‌ها به هر شکلی که برایشان ممکن است، «سم» وارد رابطه ایران و چین می‌کنند.

البته من نمی‌گویم که کالای متوسط چینی وجود ندارد، اما گمرکات ما هم‌اکنون با دقت از ورود کالایی که دارای استاندارد مورد قبول ایران نیست، جلوگیری می‌کند؛ بنابراین وقتی برای مثال یک محموله از کالای چینی وارد بندر می‌شود و بندر به آن اجازه ورود نمی‌دهد، راه برگشت به چین را در پیش می‌گیرد، غافل از اینکه قاچاقچیان در کمین‌گاه‌های خود، کمین گرفته‌اند و کالا را داخل می‌کنند. روندی که از کنترل همه خارج است و در مورد کالاهای بی کیفیت وارداتی از ترکیه و ویتنام هم تکرار می‌شود و به اسم «چینی» تمام می‌شود.

هم‌اکنون از چند کشور کالای غیرمجاز وارد ایران می‌شود؟

در حال حاضر از پنج کشور کالای غیرمجاز داخل می‌شود. ترکیه، ویتنام، تایوان، مالزی و چین.

از بین این همه، «چین» به خاطر مسائل سیاسی، بدنامی بقیه را می‌کشد اگرچه در رتبه اول این دسته بندی قرار ندارد، اما وقتی وارد بازار می‌شویم، هر کالای بی کیفیتی را چینی لقب می‌دهند. در حالی که برای مثال در قفسه دیگر یک

فروشگاه، کالای ترک هم به فروش می‌رسد، اما مغازه دار نمی‌گوید که «این ترک است»، زیرا خودش کالا را از ترکیه وارد کرده و در حقیقت پای خودش در این بین، گیر است.

قیمت تمام شده کالاهای چینی با قیمت تمام شده کالاها در ایران چه تفاوتی دارد؟

چین در حال حاضر بیش از یک هزار میلیارد دلار صادرات به اقصی نقاط دنیا دارد. این کشور با کیفیت‌ترین کالاهای خود را به اروپای غربی و آمریکا می‌دهد و به ما هم می‌دهد. برای مثال یک جفت کفش چینی در فروشگاه‌های ایتالیا، یک هزار دلار به فروش می‌رسد. چین از آن نوع کفش به ما هم می‌دهد، اما در مقابل به تناسب بازار، کفش «یک دلاری» نیز در اختیار ما می‌گذارد.

بر این اساس، پرسش ما از دولتمان این است که «چرا چین کالاهای خوب خود را هم ارزان تمام می‌کند» و در حال حاضر حتی کالاهای درجه یک چینی هم از کالاهای ما ارزان تر تمام می‌شود. بیایم این موضوع را بررسی کنیم.

وزیر بازرگانی اخیراً در اظهارنظری در نشست خبری خود، اعلام کرد که «اگر کیفیت کالاهایی مثل کالاهای چینی نامطلوب است، تقصیر و تخلف کشور مبدا نیست، بلکه تقصیر کشور مقصد است که از آن کشور کالا می‌خرد»، نظراتان در این مورد چیست؟

ما هرگز کالای بی کیفیت از چین نمی‌خریم. کالای بی کیفیت را قاچاقچی‌ها وارد کشور می‌کنند که مسوولان باید جلوی این موضوع را بگیرند. کالاها ابتدا وارد مبادی رسمی می‌شوند، اما آن قدر موانع گمرکی بر سر راه تاجران وجود دارد که این کالاها، دوباره خارج می‌شوند و از مبادی غیررسمی برمی‌گردند.

آقای غضنفری عزیز هم می‌دانند که چین خود اعلام می‌کند که هم کالای متوسط دارد و هم کالای خوب و می‌گوید اگر ایرانی‌ها از او کالای خوب بخواهند، کالاهای متوسطش را از مبادله کنار می‌گذارد.

حال بعضی از ایرانی‌ها که شمارشان البته اندک است، از چین کالای متوسط می‌خرند. این افراد در مبادی رسمی برای ورود کالاهای خود با مشکل مواجه می‌شوند و همان روندی که به آن اشاره شد، برای ورود این نوع کالاها تکرار می‌شود.

پس به اعتقاد شما، بی کیفیت بودن کالاهای چینی صرفاً یک شائبه است که نباید مدنظر مدیران قرار گیرد و زمینه برخوردها و اظهارنظرهای تبعیض آمیز را فراهم کند؟

دقیقا. این را هم در نظر بگیرید که برای مثال هم‌اکنون در اروپا کالای مراکشی وجود دارد. حال اگر اروپا از توزیع آن کالاها جلوگیری کند، می‌بینیم که این کالاهای بی کیفیت از مبادی رسمی و غیررسمی وارد ایران می‌شوند. از سوی دیگر، مگر در فروشگاه‌ها و حراجی کشورهایی مثل آلمان و انگلیس، کالای بی کیفیت که به نصف قیمت

فروخته می‌شود، دیده نمی‌شود؟ پس باز هم باید پرسید که چرا به شائبه بی‌کیفیت بودن کالاهای چینی از داخل و خارج دامن زده می‌شود؟!

بنابراین، شما معتقدید که در حال حاضر همه کالاهای بی‌کیفیت چینی به صورت غیرمجاز وارد کشور می‌شوند.

بهتر است بگوییم ۸۰ تا ۹۰ درصد.

اگر این رقم را در نظر بگیریم، چرا همچنان بر این حوزه نظارت لازم اعمال نمی‌شود؟

پرسش من هم دقیقاً همین است. اگرچه باید در نظر داشت که ما دو هزار و ۵۰۰ کیلومتر مرز داریم که کنترل آنها آسان نیست. در این بین ستاد مبارزه با قاچاق کالا و نیروی انتظامی هم تلاش خود را می‌کنند.

آیا این توجیه قابل قبول است؟

توجیه است دیگر. شرایط ویژه است و نمی‌توانند کنترل کنند. در عین حال، سه مورد دیگر؛ یعنی ورود از افغانستان، عراق و بازارچه‌های مرزی هم عاملی برای تشدید این ناتوانی در عدم کنترل ورود کالاهای غیرمجاز و بی‌کیفیت به کشور شده است.

از ۳۰ میلیارد دلار مبادلات تجاری میان ایران و چین، سهم کالاهای مصرفی وارداتی چقدر است؟

سهم صادراتی ما با احتساب انرژی، ۶۰ درصد و سهم وارداتی ما ۴۰ درصد است. بر این اساس، ما تنها کشوری هستیم که در مبادلات تجاری با چین در طی ۲۰، ۲۵ سال اخیر، همواره ذی‌نفع و دارای سمت و سوی مثبت بوده‌ایم. سهم واردات کالاهای مصرفی از چین هم حداکثر ۴/۵ میلیارد دلار است.

وزیر نیرو در گفت‌وگو با «ایران»:

بلندترین سد جهان در ایران ساخته می‌شود

صنعت آب و برق و فاضلاب با تک تک مردم ارتباط دارد. تمام افراد جامعه به سهولت به این صنایع دسترسی دارند و از آن استفاده می‌کنند. به همین دلیل اهمیت و حساسیت این صنایع دوچندان می‌شود. افزایش ضریب نفوذ شبکه‌های آب، برق و فاضلاب و ارتقای کیفیت آن از مهم‌ترین اهدافی است که دولت در دستور کار خود دارد تا از این مسیر آسایش و رفاه را برای مردم به ارمغان آورد. بر این اساس هر ساله پروژه‌های بیشتری در این سه بخش به بهره‌برداری می‌رسد یا عملیات اجرایی آنها آغاز می‌شود. در هفته دولت سال جاری نیز همچون سال‌های گذشته پروژه‌های کوچک و بزرگ بسیاری در این بخش افتتاح شد. در این زمینه با مجید نامجو وزیر نیروی دولت دهم همراه شدیم تا در یک مصاحبه تفصیلی علاوه بر تشریح پروژه‌هایی که در هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسند، چشم‌اندازی از صنعت آب و برق کشور ارائه دهد. به گفته وزیر نیرو در هفته دولت سال جاری هزار و ۸۰۰ پروژه در صنعت برق و ۵۷ پروژه در بخش آب به بهره‌برداری می‌رسد که افتتاح این پروژه‌ها نقش مهمی در پایداری شبکه و ارتقای کیفی آن دارد. همچنین وی به پروژه‌های بسیاری اشاره می‌کند که تا پایان سال جاری مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. نامجو افتتاح نهایی سد کارون ۴ و برگزاری همزمان جشن خودکفایی در صنعت سدسازی، آبگیری سد گتوند و کلنگ زنی سد بختیاری به عنوان بلندترین سد جهان را شاخص‌ترین پروژه‌های وزارت نیرو در سال جاری اعلام می‌کند.

در هفته دولت چه پروژه‌هایی در بخش آب و برق و فاضلاب به بهره‌برداری می‌رسد؟

هر سال در هفته دولت پروژه‌های زیادی در وزارت نیرو به مرحله بهره‌برداری می‌رسد. از سوی دیگر مقداری پروژه نیز برای افتتاح در سال‌های آینده کلنگ‌زنی می‌شود. از پروژه‌های مهمی که برای بهره‌برداری آنها منتظر حضور رئیس‌جمهور هستیم، یکی پروژه آبرسانی خلیج فارس است که ۷۶۰ کیلومتر طول آن است و پنج استان از این طریق آبرسانی می‌شوند. پروژه دیگر نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی چابهار است.

پروژه‌های بسیاری نیز وجود دارد که در سطح پائین تر و در بخش‌های مختلف به بهره‌برداری می‌رسند. همچنین هفت پروژه بزرگ دیگر در چهار استان اصفهان، خوزستان، سمنان و فارس افتتاح خواهد شد. این طرح‌ها مربوط

به بخش آب و برق است که طرح آبرسانی به شهر تکاب از جمله آن است. علاوه بر این پروژه پست ۴۰۰ کیلوولت چهلستون و خط ۴۰۰ نیروگاه جنوب اصفهان - سورمق، فاز نخست پست ۴۰۰ کیلوولت شهید دقایقی و پست ۲۳۰ کیلوولت امیدیه در خوزستان از دیگر پروژه‌هایی است که در هفته دولت افتتاح می‌شود. از سوی دیگر احداث فیبر نوری شاهوار و شاهرود در استان سمنان و خط ۴۰۰ کیلوولت نیروگاه چهارم - لار و خط ۴۰۰ کیلوولت کازرون - قائمیه در استان فارس و تصفیه‌خانه فاضلاب سقز در استان کردستان پروژه‌های دیگر قابل بهره‌برداری هستند.

در مجموع در بخش برق چند پروژه به بهره‌برداری می‌رسد؟

در بخش برق هزار و ۸۰۰ پروژه با اعتباری بالغ بر هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان آماده بهره‌برداری هستند که به مرور افتتاح می‌شوند. در هفته دولت شمار زیادی از خانوارهای ساکن در روستاهای زیر ۲۰ خانوار در استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، گیلان، خراسان رضوی و جنوبی، فارس، آذربایجان غربی، یزد و لرستان از نعمت برق برخوردار می‌شوند. همچنین چندین روستا در استان‌های اردبیل و خوزستان به دلیل دوری از شبکه برق از طریق انرژی فتوولتائیک برق‌دار می‌شوند و کار تأمین برق از همین طریق در چند روستا در استان مازندران نیز آغاز خواهد شد. از دیگر طرح‌هایی که در هفته دولت کار اجرایی آنها آغاز می‌شود یا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، احداث و افزایش ظرفیت ۱۳ پست ۴۰۰ کیلوولت در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، فارس، اصفهان، مازندران، خوزستان، آذربایجان شرقی، زنجان و کرمان است. همچنین ۱۹ پست ۲۳۰ کیلوولت در استان‌های فارس، بوشهر، اصفهان، خوزستان، کرمان، سمنان، هرمزگان، تهران، قزوین، زنجان و همدان احداث و توسعه پیدا می‌کند. علاوه بر این در این مدت از ۲۶ پست ۱۳۲ کیلوولت و ۵۲ پست ۶۳ کیلوولت در نقاط مختلف کشور بهره‌برداری یا کارهای اجرایی آن آغاز می‌شود.

در بخش آب چه طرح‌هایی آماده افتتاح هستند؟

در بخش آب نیز ۵۷ طرح در ۱۳ استان کشور در هفته دولت به بهره‌برداری می‌رسد که هزینه این طرح‌ها سه هزار میلیارد ریال است. سد سنگ سیاه در استان کردستان، طرح آبرسانی به شهر تکاب در استان آذربایجان غربی، آبرسانی به شیروان در استان خراسان شمالی، آبرسانی به شهر اراک در استان مرکزی و سد انحرافی لاغر در استان فارس از جمله طرح‌های مهمی است که در این هفته به بهره‌برداری خواهد رسید. همچنین در هفته دولت سال جاری، عملیات اجرایی ۱۳ طرح با پیش‌بینی هزینه‌ای بالغ بر هزار میلیارد ریال در سه استان کهگیلویه و بویر احمد، گلستان و فارس شروع می‌شود و از سوی دیگر سد نرگسی در کازرون و آبرسانی به شهرهای قیر و جهرم از سد سلمان‌فارسی از دیگر طرح‌های مهمی است که عملیات اجرایی آنها در هفته دولت آغاز می‌شود.

شاخص‌ترین پروژه‌هایی که در هفته دولت عملیات اجرایی آنها شروع می‌شود، کدامند؟

در دولت دهم و در بخش وزارت نیرو سه پروژه از اهمیت زیادی برخوردارند که افتتاح یا کلنگ‌زنی آنها را دنبال می‌کنیم. یکی از این پروژه‌ها افتتاح نهایی سد کارون ۴ است که همزمان با افتتاح آن جشن خودکفایی در صنعت سدسازی نیز برگزار می‌شود. پروژه دیگر آبگیری سد گتوند است که پس از سد کرخه از نظر حجمی بزرگترین سد کشور محسوب می‌شود. آخرین پروژه نیز کلنگ‌زنی سد بختیاری است که با ارتفاع ۳۱۵ متر بلندترین سد جهان به شمار می‌رود. این سد بتنی برق آبی ۴/۸ میلیارد مترمکعب آب در خود جای می‌دهد و در استان لرستان در نزدیکی خرم‌آباد و بر روی رودخانه بختیاری احداث خواهد شد. موقعیت جغرافیایی این سد در مرز استان‌های لرستان و خوزستان قرار دارد. این پروژه‌ها شاخص‌ترین پروژه‌های وزارت نیرو هستند که در سال جاری باید محقق شود. در کنار این پروژه‌ها، فهرست بلندبالایی از پروژه‌هایی که تا پایان سال جاری به بهره‌برداری می‌رسند وجود دارد. در بخش برق همکاران ما ۴ هزار و ۵۰۰ مگاوات را برای افزایش شبکه آماده کرده‌اند که بزودی وارد شبکه می‌شود. تمام تلاش ما این است که این نیروگاه‌ها برای تابستان سال آینده آماده کار باشند.

با این حساب در تابستان سال آینده مشکل کمبود برق نخواهیم داشت؟

سعی ما این است که وضعیت پایداری را که در حال حاضر در کشور وجود دارد حفظ کنیم. البته حفظ این شرایط پیش‌نیازهایی دارد که برخی از آنها مانند میزان بارندگی و دمای هوا در اختیار ما نیستند. بر این اساس بطور قطعی نمی‌توان درباره تابستان سال آینده اظهار نظر کرد. ولی در مجموع چشم‌انداز سال آینده روشن است. در سال گذشته اعتبارات بخش برق در وزارت نیرو محقق نشد و تلاش‌های ما برای دریافت اعتبار بیشتر به نتیجه نرسید ولی در سال جاری این‌گونه نیست. در سال جاری ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه داریم که مزیت بزرگی برای به سرانجام رساندن طرح‌های مربوط به بخش برق است.

از سوی دیگر چهار واحد نیروگاه سد کارون ۴ تا پایان سال جاری وارد مدار خواهد شد و این موضوع کمک زیادی به پایداری شبکه برق می‌کند. علاوه بر این خوشبختانه موفق شدیم مجوز فروش پنج نیروگاه و هزینه درآمد حاصل از آن برای کاهش هدررفت برق در شبکه را دریافت کنیم. درآمد حاصل از فروش این نیروگاه‌ها هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است که هزینه آن در راستای کاهش تلفات برق می‌تواند نقش مهمی در تأمین برق مورد نیاز کشور داشته باشد. در سال جاری یکی از مشکلات وجود همین تلفات ۱۸ درصدی برق بود که ظرفیت شبکه را کاهش داده است. نیروگاه هزار مگاواتی اتمی بوشهر نیز تا چهار ماه آینده وارد مدار سراسری خواهد شد. همچنین اجرایی شدن قانون هدفمندی یارانه‌ها از نیمه دوم سال، مصرف برق را در کشور کنترل می‌کند. پیش‌بینی ما این است که از طریق اجرای این قانون ۱۰ تا ۱۵ درصد از مصرف برق کاسته شود. با توجه به این موارد چشم‌انداز روشنی برای سال آینده متصور است.

باتوجه به قرار گرفتن کشور در آستانه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، برنامه وزارت نیرو برای منطقی شدن تعرفه‌های آب و برق چیست؟

براساس قانون باید طی پنج سال قیمت‌ها واقعی شود که یک راه آن افزایش سالانه ۲۰ درصدی تعرفه‌هاست. این که پس از مهرماه یعنی اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تعرفه‌ها تغییر می‌کند روشن است ولی مردم باید بدانند دولت سعی دارد پیش از این که قیمت‌ها واقعی شود یارانه نقدی را به مردم بپردازد. دولت نیز با بررسی تمام جوانب، کار را دنبال می‌کند تا این موضوع برای مردم جبران شود. از این رو مردم نباید نگران افزایش تعرفه‌ها باشند. از سوی دیگر طوری برنامه‌ریزی شده است که اگر مشتریان الگوی مصرف را رعایت کنند نه تنها یارانه نقدی کفاف تعرفه‌های جدید را می‌دهد بلکه مبلغی نیز برای خانوارها باقی می‌ماند.

همان‌گونه که بارها رئیس‌جمهور گفته‌اند یارانه‌ها حذف نمی‌شود بلکه در مسیر درست هزینه خواهد شد. در گذشته هر فردی که مصرف بیشتری داشت از یارانه بیشتری بهره‌مند می‌شد ولی با روش جدید خانوارهای کم‌درآمد یارانه بیشتری می‌گیرند.

زمانی که تعرفه‌ها واقعی می‌شود تکنولوژی باید در خدمت مصرف‌کننده قرار گیرد تا با استفاده از آن مصرف خود را کاهش دهد. وزارت نیرو در اولین گام با توزیع لامپ‌های کم مصرف میزان قابل توجهی از پیک شب را کاهش داد. حال برای سایر وسایل برقی چه برنامه‌ای دارید؟

از مدت‌ها قبل موضوع بهره‌وری انرژی با تشکیل سازمان بهره‌وری انرژی (سابا) مدنظر قرار گرفته است. بر این اساس سازمان سابا در زمینه بهره‌وری انرژی که نقطه عطف قانون یارانه‌هاست از سال‌ها قبل تشکیل شده و تاکنون کارهای بسیاری انجام داده است. یکی از این موضوعات، بحث کولرهاست. در حال حاضر به‌رغم این که در بسیاری از نقاط کشور نیازی به استفاده از کولرهای گازی نیست از این وسیله که چهار برابر کولرهای آبی برق مصرف می‌کند، استفاده می‌کنند. در این زمینه یکی از مشکلات موجود که روی آن برنامه‌ریزی شده است ارتقای کیفیت کولرهای آبی است که همچنان براساس تکنولوژی ۴۰ سال پیش تولید می‌شود، در حالی که می‌توان با تغییر در این کولرها، راندمان و بهره‌وری آن را افزایش داد.

موضوع دیگری که باید روی آن برنامه‌ریزی کرد جلوگیری از واردات وسایل برقی پرمصرف است. در این زمینه هم باید از قاچاق این گونه وسایل جلوگیری کرد که هماهنگی‌های لازم با ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در حال انجام است و از سوی دیگر باید کالاهایی که از مبادی رسمی وارد کشور می‌شود حتماً برچسب انرژی داشته باشد و این برچسب از سوی آزمایشگاه‌های ما مورد تأیید قرار گیرد؛ اما در این میان مردم نقش اساسی دارند چرا که آنها خریدار کالاهای برقی هستند و اگر از خرید کالاهای پرمصرف خودداری کنند این مشکل به صورت ریشه‌ای حل می‌شود. طرح دیگری که در این زمینه در حال اجراست تعویض کنتور تمام مشترکان است. با نصب کنتورهای هوشمند مردم امکان مدیریت پرمصرف خود را پیدا می‌کنند. از سوی دیگر این طرح برای صنعت برق نیز مزایای بسیاری دارد. اجرای این طرح به دو هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد که پیگیر تخصیص آن هستیم.

آیا این طرح تا پایان سال جاری اجرایی می‌شود؟

هر چند هنوز اعتبار مورد نیاز این طرح تخصیص پیدا نکرده است ولی کارهای بسیاری وجود دارد که باید تا قبل از تخصیص اعتبار انجام داد. اعتبار تنها یکی از زوایای این طرح است. براین اساس ظرفیت‌سازی برای تولید کنتورهای هوشمند داخلی و زیرساخت‌های مورد نیاز در حال اجراست.

یکی از موضوعاتی که در روزهای اخیر به آن پرداخته شد بحث کیفیت آب شرب بود. در این زمینه نظر شما چیست؟

موضوع کیفیت آب تهران و وجود نیترات در آن موضوعی نبود که تنها به امسال مربوط باشد. این موضوع از سال‌های قبل نیز مطرح بوده است. در پیک تابستان وقتی برای رساندن آب به جمعیت هشت میلیون نفری تهران - که در تابستان جاری به روزانه ۳/۵ میلیون مترمکعب رسید - باید از تمام ظرفیت‌های آبی استفاده کنیم که در این میان امکان دارد مواردی از بالا بودن میزان نیترات گزارش شود که بسیار طبیعی است از سالیان قبل نیز همین‌گونه بوده است. مهم نحوه و کیفیت آبی است که در نهایت به دست مردم می‌رسد. به محض این‌که گزارشی از بالا بودن نیترات دریافت شود نسبت به حل مشکل سریع‌اقدام می‌شود. بر این اساس در حال حاضر تعدادی از چاه‌های تهران به علت آلودگی مسدود شده است.

آنچه مورد نظر وزارت نیرو بود، این است که منابع آبی ما در معرض خطر آلودگی است، البته این بدان معنا نیست که آب آلوده به مردم تحویل داده می‌شود.

علت آلوده شدن منابع آبی چیست؟

یکی از علل اصلی آلودگی منابع آبی عدم اجرای سیستم فاضلاب شهر تهران است که به اعتباری بالغ بر سه هزار میلیارد تومان نیاز دارد و تأمین آن بسیار مشکل است.

علت دیگر، آلودگی سموم و کودی است که در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. با توجه به این‌که بالای ۹۰ درصد از آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود با نفوذ آب کشاورزی به منابع زیرزمینی، منابع آبی بتدریج آلوده می‌شود. اما علت افزایش نیترات در آب آشامیدنی به علت نفوذ فاضلاب انسانی به سفره‌های زیرزمینی است به همین دلیل تلاش زیادی برای سرعت دادن به پروژه فاضلاب تهران کرده‌ایم. خوشبختانه توجه دولت نیز به این سمت و سو جلب شده و اعتبارات مناسبی برای فاضلاب تهران تخصیص داده شده است. در مجموع مطرح شدن موضوع نیترات باعث شد تا وزارت نیرو اعتبارات مورد نیاز خود را برای اجرای شبکه فاضلاب دریافت کند. در حال حاضر پس از افتتاح فاز اول فاضلاب تهران فاز دوم آن نیز آماده است و فازهای سوم و چهارم آن نیز تا پایان سال آماده بهره‌برداری خواهد شد. از سوی دیگر طرح جامع فاضلاب تهران نیز ابلاغ شده است. براساس

این طرح شبکه فاضلاب تهران از حالت متمرکز خارج و به صورت منطقه‌ای دنبال می‌شود و در نهایت پساب آن به صورت متمرکز تصفیه می‌شود.

وجود نیترات در آب شرب در ایران براساس سختگیرانه‌ترین استانداردها تعریف شده است. این در حالی است که براساس استانداردهای بین‌المللی در صورتی که آب آلودگی میکروبی نداشته باشد میزان نیترات می‌تواند تا ۱۰۰ PPM نیز باشند. در حال حاضر استاندارد وجود نیترات در ایران ۵۰ PPM است.

با توجه به این که کل دنیا به سمت کم آبی پیش می‌رود و ایران جزو مناطق خشک محسوب می‌شود برای تأمین آب مورد نیاز کشور در آینده چه برنامه‌ای دارید؟

ما در کشوری زندگی می‌کنیم که یک سوم میانگین بارندگی دنیا را دارد. از سوی دیگر تمام مطالعات نشان می‌دهد که در آینده منطقه گرم‌تر و خشک‌تر خواهد شد که این به معنای کم آبی شدیدتر است. بنابراین باید کانون توجه مسئولان عالی‌رتبه کشور را به این سمت هدایت می‌کردیم که خوشبختانه موفق شدیم. از این رو اولین جلسه شورای عالی آب با حضور رئیس‌جمهور در دولت‌های نهم و دهم طی هفته‌های اخیر تشکیل شد و تصمیمات بسیار خوبی در آن گرفته شد.

براساس یکی از مصوبات این شورا باید طی پنج سال تمام مزارع کشور کشت مکانیزه شود. با این اقدام میزان بسیاری از مصرف آب در بخش کشاورزی کاسته می‌شود. برای اجرای پروژه‌های آبیاری نوین در مزارع مبلغ سه هزار میلیارد تومان به وزارت نیرو و سه هزار میلیارد تومان به وزارت جهاد کشاورزی اختصاص پیدا خواهد کرد که اعتبار قابل توجهی است. از سوی دیگر قرار است که هر سه ماه یکبار شورای عالی آب تشکیل جلسه دهد و سایر موضوعات مربوط به آب را بررسی کند.

یکی از اقدامات بسیار خوبی که در زمینه حداکثر استفاده از آب می‌توان انجام داد بازچرخانی آب است که پس از مصرف آب و تصفیه آن مجدداً از آب به دست آمده برای مصارفی نظیر آبیاری باغچه و... استفاده می‌شود و در نهایت به صورت پساب به تصفیه‌خانه‌های فاضلاب شهری می‌رود و بخشی از آب کشاورزی را تأمین می‌کند علاوه بر این که امکان تغذیه مجدد سفره‌های زیرزمینی نیز فراهم می‌شود.

نظرات پیشنهادها و انتقادات خود را به آدرس پست الکترونیکی tccim.site@gmail.com ارسال نمایید 